



# پیام کارگر



بها مسا دل ۶ ربال

سال سوم نیمه اول آبان ۱۳۶۸

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

ارگان کمیته خارج از کشور

## تروریست‌های رژیم در کالگری کانادا

جمعی از پناهندگان ایرانی مقیم کانادا طی اطلاعیه‌ای تحت عنوان همدار پناهندگان ایرانی در کالگری کانادا ورود تروریست‌های رژیم به این شهر را تحت پوشش نمابندگی شرکت نفت ایران افشا کرده و همدار داده‌اند. آنها رونوشت این اطلاعیه را به اداره مهاجرت کانادا، سفیر بین الملل، کمیساریای عالی پناهندگان، ژنو، احزاب و سازمان‌های انقلابی ایرانی و مجامع و تشکل‌های دموکراتیک پناهندگان ایرانی فرستاده‌اند. این اطلاعیه که در ماه اکتبر منتشر شده است از ورود عده‌ای از حزب اللهی های شناخته شده که تنها مهاجران جاسوسی است تحت نام نمابندگی شرکت نفت ایران به شهر کالگری و اجاره یک آپارتمان در مرکز شهر و مخفی نگه داشتن محل استقرارشان خبر میدهد. در همین مدت آنها به اجیر کردن عده‌ای از میان پناهندگان **بقیه در صفحه ۲**

## ماورای جنایت!

رژیم‌گروه‌های سیاسی را بعنوان باندسارقین محاکمه و اعدام می‌کند موضوع، جهانیان باید با رد دیگر ابعاد دیگری از جنایتکاری خارج از ترمور رژیم حاکم برای ایران را باور نمایند و در این مورد وظیفه نیروهای مترقی و پناهندگان ایرانی در خارج از کشور است که با اراک شهنده معتبرا منستی محافل مترقی و بیشتر دوست کشورهای میزبان را علیه جنایات رژیم بسیج کنند.

غوبین لملل در این بیانیه‌ها می‌گوید: «۵ تن از افرادی را که در تاریخ ۱۹ اگوست همراه ۲۴ تن دیگر تحت عنوان قاچاقچی اعدام شدند آورده‌وتانید کرده‌است که آنها به گروه‌های سیاسی ایرانی تعلق داشته‌اند.»

بقیه در صفحه ۲

در صفحه ۳

غوبین لملل اعلام کرد:

دولت ایران زندانیان سیاسی را تحت عنوان قاچاقچی مواد مخدر اعدام می‌کند.

غوبین لملل در بیانیه‌ای به تاریخ پانزده سپتامبر ۱۹۸۹ تأکید کرد رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی که سال گذشته ده‌ها هزار زندانی سیاسی را قتل عام کرد، طی این مدت بقیه زندانیان را تحت عنوان قاچاقچی مواد مخدر، قاتل، دزد و غیره اعدام می‌کند. قبلاً سازمان‌های سیاسی ایرانی، از جمله سازمان افشاگرنده که رژیم توطئه قتل زندانیان را تحت عنوان قاچاقچی و... پیش میبرد، با بیانیه غوبین لملل و تأیید پنا

روابط بین المللی ما:

درباره سازماندهی کمیته‌های همبستگی با مبارزان مردم ایران

## دولت رفسنجانی بزرگترین دلال ارز!

را نیز اردن را در کنار ریپای دیگری تسبیح خود سازد. این تصمیم دولت رفسنجانی در مصاحبه روز یکشنبه ۱۶ مهر ماه جاری که سید سته‌سای اقتصاد دی دولت خود را توضیح میداد اعلام کرد و پس از آن، اقدام دولت با عنوان «ارز رقابتی» برای واردکنندگان کالا از سوی بانک تجارت به اجرا درآمد. باعث تجارت هدف این اقدام دولت را کاهش **بقیه در صفحه ۲**

دولت جمهوری اسلامی که تاکنون در خباثت و جنایت رکوردهای جهانی را شکسته و سیاه‌ترین عناوین تاریخی از جمله: «خونخوارترین و ظالم‌ترین حکومت‌های معاصر»، «بزرگترین ستم‌سازانده تروریسم دولتی»، «نفی‌کننده روی رژیم هیترلی» و «آژیر خود اخصام داده‌است» در سه هفته گذشته با وارد شدن در بازار سیاه پر سود ارز، شایسته است که مقام بزرگترین دلال ارز معاصر

## در این شماره:

منوچهر محجوبی

در گفتگوی «پیام‌کارگر»

اطن‌زوتار ریخ طنز در ایران (۲)

در صفحه ۶

نوسازی در آلمان دموکراتیک

مصاحبه رلف را بیسیک

در صفحه ۸

همبستگی در دام

دیویدا بکتا نوی از کار رین

در صفحه ۹

خودکشی پناهنده ایرانی

در صفحه ۱۱

نمایشگاه کتاب فرا نکفورت

در صفحه ۱۲

اسکار برای ضد قهرمان

در صفحه ۵

اطلاعیه ده دسامبر

در صفحه ۱۲



صف سیب زمینی کیلویی ۱۴۵ ربال. عکس از میدان میوه قزل‌قلعه

## ماورای جنایت

بقیه در صفحه ۱

اسامی عبارتند از:

اسم	فامیل	محل اعدام
محمد	یونسی	همدان
محمدقلی	ابراهیمی	رشت
بیژن	بیگلری	کرمانشاه
بهرام	کاظمی	شیراز
مسعود	ثابت	شیراز

غوبینا لمللی در همین بیانیته بر اساس گزارش که در دست دارد، اما فک کرده است، هما یون مولتی شاهرخ شمس و مهدی ثابتی در جریان اعدامهای قبل با همان اتهام قاچاق اعدام شده اند، در حالیکه جزو نیروهای سیاسی بوده اند.

رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی هربار با انتشار بیانیتهای غوبینا لملل در مورد جنایاتش، عکس العمل نشان داده و این سازمان را آلت دست اسیر قدرت قلمداد نموده است. اخیراً نیز پس از انتشار گزارش سالیانها زمان غوبینا لملل که اسناد مفصلی در مورد پیمانال شدن حقوق بشر در ایران ارائه داده است، سر جنایتکار رژیم، خامنه‌ای اعلام کرد که به گزارشات غوبینا لملل و قسمی

## دولت رفسنجانی بزرگترین

بقیه در صفحه ۱

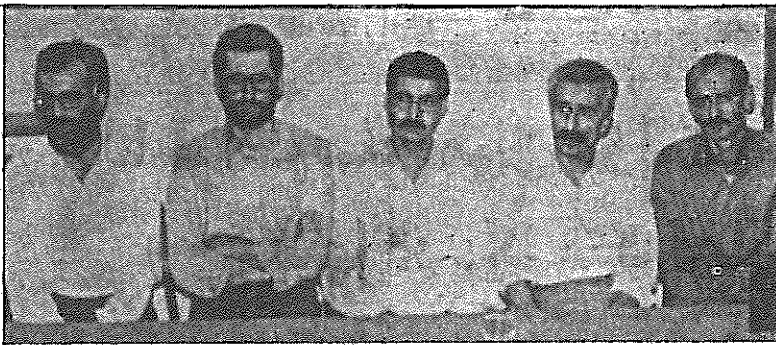
رزش ارز در بازار سیاه و تشبیه قیمتتارزها و بدین ترتیب کاهش قیمت کالاها عنوان نمود. اما رفسنجانی در مصاحبه مطبوعاتی اخیرش در ۲۳ اکتبر قضیه را روشن کرد: "اگر یک میلیارد دلار از باقیمت ما درستی ۵۰ یا ۶۰ تومان وارد بازار کنیم خواهیم توانست معادل ۶۰ یا ۷۰ میلیارد تومان بدست آوریم که این مسئله باعث تا مین بخشی از کسری بوجه نیز خواهد شد."

گذشته از تشبیه محاسبه در ارقام اعلام شده توسط رفسنجانی، تا حدودی اواقیقت امر را گفته است: هدف دولت بهمانه یک دلال ارز بزرگ رقابت با سایر دلالان ارز است. دولت لیستی را هم که دم کنون میتواند از رزرقا بنی استناد نماید اعلام کرده است که عبارتند از: سازمان صنایع ملی و شرکت های تحت پوشش سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و شرکت های تحت پوشش سازمان گسترش خدمات بازرگانی - تعاونی صنایع صنوف - بنیاد نیا زمان و مستضعفان انقلاب اسلامی و شرکت های تحت پوشش - بنیاد شهید انقلاب اسلامی و شرکت های تحت پوشش - اتحادیه مکان و شهرو روستا.

اما از آنجا که بورژوازی تجاری و جیبا ولکسر ایران بعنوان شریک فقها سازماندهی و اداره همه موسسات ذکر شده در بالا برعهده دارد رقم ۶۰

نخواهد گذاشت، چرا که آنها در خدمت اسیر قدرتها هستند. غوبینا لملل در این گزارش آورده است که دویا در طی دو سال گذشته از ایران خواسته است که اجازه سفر یک هیئت از این سازمان را به ایران بدهد تا با مقامات جمهوری اسلامی مذاکره نماید و از زندانها دیدن کنند، که در هر دو بار سیا عتقانی رژیم ایران روبرو گردیده اند.

علی رغم انکار رژیم مبنی بر اعدام زندانیان سیاسی یا عناوین قاچاقچی و سارق مسلح، اسناد و شواهد فراوانی وجود دارد که برده از توطئه بی شرمانه رژیم بر میآید. در این مورد گزارش کیپان، روزنامه رژیم، در تاریخ ۲۲ شهریور از جریان محاکمه یک گروه سیاسی جالب توجه است.



عکس تعدادی از مبارزان سیاسی که با اتهام سرقت و قتل دستگیر شده اند

با ۷۰ میلیارد تومان، بتوان یک لقمه کوچک، اما جرب و نرم و راحت به آسانی توسط نقدینگی ۱۷۰۰ میلیارد تومانی متمرکز در دست تجار بلبلیده خواهد شد. اگر چه توسط رئیس بانک مرکزی رژیم ادعا شده است که دولت این سیاست را ادامه خواهد داد و موقتی نیست، معلوم نگردیده که منابع سرشار ارزی که دولت را در بلندمدت قادر به رقابت با سایر دلالان خواهد کرد، از کجا تا میسر خواهد گردید.

دولت از آنجایی که میدانند نخواهند توانست از عهده تجار بزرگ برآید برای ارباب کوچکترها در روزنامه های کشور در دو هفته اخیر با درج مطالب زیاده و جا بجا عکس پیرامون موفقیت اقدام خود دست به تبلیغات روانی زده است و مقام بانکی رژیم با بسوزی به سرمایه داران توصیه کرده است قبل اینکه بیشتر متضرر گردند، با زار ارز را ترک کنند!

طبق ادعای مقامات رژیم آنها قیمت ارز رقابتی را نشان داده و مرتب و پلنگانی پاشین خواهند آورد. اما تازه اگر این ادعا واقیعت پیدا کند، چه باک! تجار محترم قادر خواهند بود رقم بیشتری از ارز را از رقابتی را نسپ خود سوزند. مگر مردم فقیر شده و کارگران استنما شده کشورمان خریدار ارز هستند؟ نسپ آنان افزایش افسارگسیخته قیمت کالاها را اساسی

و ما یحتاج عمومی است.

افزایش قیمتتیا و احتکار ما یحتاج مردم در هفته های گذشته توسط زاربان محترم به حدی رسیده

بیدار نگاه های اسلامی رژیم اگر چه در این مورد مجبور شده اند به سیاسی بودن متهمین اعتراف کنند، اما جابجا تلاش کردند تا آنها را به اتهام قتل و سرقت مسلحانه که گویا تحت پوشش یک گروه چپی فعالیت میکردند مورد محاکمه و اعدام قرار دهند. دستگیرشدگان که از قبل لاین گروه اتحاد کارگران معروف به خط ۵ هستند، از روشنفکران و فعالین جنبش چپ ایران بودند که در جهت سازماندهی کارگری تلاش میکردند. سند مذکور یکی از مواردی است که رژیم پس از بر ملا شدن توطئه اش، علنی کرده است تا جنایات بی شمار دیگری را بیوشاند. این دیگر ماورای جنایت است. ما از این مبارزان دفاع کرده و اقدام بیشتر ما نه فقها را محکوم میکنیم.

است که نمایندگان مجلس رژیم و برخی مقامات به وحشت افتاده و مرتب به دولت رفسنجانی و شخص ایشان تذکرواخطا در مورد سرقت حکومت میدهند و دوباره در سرپالائی همدیگر را مثل اسپها گاز میگیرند.

در این مورد توجه به افزایش قیمت سبب زمینی و بیابان زدر سه هفته گذشته تا ۴۰ و ۲۰۰ تومان بیشتر از هر چیز دیگری گویای حقیقت اقدام فربکارانه دولت رفسنجانی است. شبکه هزینهی تجار محترم آنچنان سازمان یافته و منظم در عرض چند روز گالاهای حیاتی غیر سوسیدار روزانه مردم را از منقازها جمع کردند، که دولت مجبور شد خروج سبب زمینی از مراکز تولید را ممنوع اعلام کرده و خود در میدان شپرداری اقدام به توزیع سبب زمینی به قیمت کیلوئی ۱۴۵ ریال بنماید. بیگ با رفروش در این زمینه به خبرنگار کیپان چنین میگوید: تا چندین بیس سبب زمینی و بیابان نرخ عادلانه توزیع میگردد و تگرانی نشود. اخیراً ضروریستهای اقتصادی وارد عمل شدند و ساعت به ساعت قیمت سبب زمینی و بیابان را لبرند. که اگر مسئولان دیر به فکر افتاده بودند، امسال سبب زمینی به کیلوئی صد تومان هم میرسد. مقاله یکی از ساده لوحان هوادار رژیم در کیپان هوائی ۲۶ مهر جالب و خواندنی است. و ابعاد فشار و کلافگی بخشهایی از رژیم را نشان میدهد:

این نکته بدیهی است که غیب شدن ناگهانی

## روابط بین‌المللی ما:

## درباره سازماندهی کمیته‌های همبستگی با مبارزات مردم ایران

وزن سیاسی آن بویژه در مراحل آغاز فعالیت خواهد شد.

ایجاد کمیته‌های همبستگی و رابطه با آنها در بحث تا کنونی ما مشخص شده است که کمیته همبستگی را بعنوان تشکل دمکراتیک مختلط ایرانی - خارجی، با ترکیب محدود و مناسب برای سازماندهی همبستگی با مبارزات مردم ایران و با کار اساساً تبلیغاتی می‌شناسیم، که میتواند فعالیت سیاسی چالاکانه را انجام دهد، برای روشن شدن چگونگی ایجاد کمیته‌های مزبور ما باید مواضع عینی در راه ایجاد آنها از جمله چگونگی رابطه با آنها را بشناسیم، مواضع عینی در راه ایجاد کمیته‌ها کدامند؟ این مواضع را میتوان به دو گروه اصلی تقسیم نمود:

(۱) یافتن افراد مناسب ایرانی و خارجی برای

کمیته‌ها، مهمترین مشکل است. درباره مشکل یافتن افراد ایرانی کم و بیش میدانیست که اگر تعلقات سیاسی و حزبی افراد را در نظر بگیریم، به سختی میتوان فردی را یافت که با وی بشوایم کار در ازماندنی را به پیش برد.

در این صورت افراد غیر وابسته به سازمانهای سیاسی میمانند که با بدقتا آشنائی متقابل و توانایی مناسب برای کار مشترک و غیره وجود داشته باشد و یا فردی چنین افرادی نسبتاً دشوار است. بهرحال جز تلاش در جهت یافتن افراد مناسب راهی نیست اما باید متذکر شویم که در صورت پیداشدن افراد مورد نظر نباید منتظرمانند بلکه میتوان حتی توسط رفقای سازمان و افراد خارجی چنین کمیته‌ها را ایجاد کرد. مشکل اصلی در یافتن افراد خارجی و جلب اعتماد آنها در این است که آنها در مجموع تصور مثبتی از سازمانهای سیاسی ایرانی ندارند.

درگیریهای بعضاً فیزیکی بین سازمانها، عقب ماندگی درک و بینش دمکراتیک در آنها، رویکرد کاسیکارانه و فرصت طلبانه به همبستگی بین‌المللی و فقدان آلت‌رنا تیاوا ثباتی دمکراتیک در اپوزیسیون ایران همه دلایل بعضاً موجهی هستند که موجب بی‌علاقگی آنها به کار دمکراتیک با ایرانیان میشود. ما باید در ماننا سبتهای مختلف ایستاده سازماندهی کمیته‌های همبستگی با مبارزات مردم ایران را در افکار عمومی و در نیروهای دمکراتیک، ترقیخواه و انقلابی خارجی برده و زمینه‌های فعالیت مشترک را مهیا کنیم.

(۲) ابهامات مربوط به چگونگی رابطه بین سازمانهای سیاسی که توسط افراد ایرانی و خارجی به یکسان وجود دارد مطرح میشود. یک وجه از این ابهام درباره خط سیاسی سازمانها و نقش واقعی

ایران قرار میدهد. مخاطب اصلی کمیته‌های همبستگی افکار عمومی مردم کشورهائی است که این کمیته‌ها در آنجا فعالیت میکنند و از این رو: - کمیته همبستگی با کمترین محدودیت و با بیشترین چالاکانه میتواند از شیوه‌های متنوع کار تبلیغاتی و مطالبه‌ای در جهت بسیج افکار عمومی و تبدیل این افکار به اهرم فشار سیاسی به رژیم اسلامی و حاکمان بین‌المللی آن سودجوید. - کمیته همبستگی نیازی به اتکا به یک جمع آزمایرین ایرانی ندارد و اساساً بدون توجه به درخواستهای صنفی و سیاسی مهاجرین نیز میتواند کار خود را انجام دهد. این کمیته وظیفه سازماندهی افراد دوترا بر این وظیفه مبارزه برای درخواستهای سیاسی و صنفی آنها را در مقابل خود نمینهد، بلکه هدف خود را سازمان دادن افکار عمومی غیر ایرانی میداند.

- کمیته همبستگی بسته به نیاز خود میتواند یک ترکیب نسبتاً محدود یعنی چند نفر را ایجاد شود و گسترش کمی قابل ملاحظه‌ای نیز نداشته باشد. آنچه که در این ترکیب کلیدی است عبارت است از توانائی افرادی برای فعالیتهای تبلیغاتی در ازماند و مستمر بلاهه؛ اینکه اعطاء کمیته باید بتواند با یکدیگر کار کنند. از این رو کیفیت و توانایی کار جمعی با دیگران، مشخصات مطلوب اعضای کمیته میباشند.

- کمیته همبستگی به لحاظ ترکیب بسیار مختلط، یعنی ایرانی و خارجی با شویتوانند متناسب با پیشرفت فعالیت، خود را تقویت کرده و توسعه دهد. آنچه که در این رابطه اهمیت دارد، این است که رفقای سازمان در اقدامات خود برای تشکیل کمیته، با توجه به ویژگی اصلی کمیته یعنی کار تبلیغاتی در افکار عمومی - باید سراغ افراد مناسب ایرانی و خارجی بروند و هرچا لازم باشد یک ترکیب محدود و متناسب را به یک جمع بزرگتر مناسب متناسب ترجیح دهند.

چالاکانه، فقدان محدودیت و ترکیب محدود و کار برای فعالیتهای تبلیغاتی، خصوصاً تی هستند که کمیته همبستگی را از تشکلهای دمکراتیک عمومی متمایز میکنند. در عین حال نقاط ضعف کمیته‌های مزبور نیز نباید ز نظر دور افتند. مهمترین ضعف کمیته‌ها این است که باید بطور دائم ز نظر سیاسی، تحلیلی و اطلاعاتی تغذیه شوند تا بطور دائم مقابل حوادث سیاسی آمادگی عکس العمل داشته باشند و اگر تغذیه سیاسی و اطلاعاتی منظم صورت نگیرد، آنگاه کمیته در فعالیت خود درجا زده و نتایج کارش ناچیز خواهد بود. به علاوه محدود بودن کمیته‌های همبستگی و عدم توانائی آنها به اتکا به جمع وسیعی از فعالین سیاسی و با مهاجرین موجب کاهش

کمیته‌های همبستگی یکی از رایج ترین و موثرترین شیوه‌های فعالیت بین‌المللی سازمانها و احزاب سیاسی در تبعید و یا در مهاجرت برای جلب همبستگی بین‌المللی است. این کمیته‌ها به اشکال گوناگون ایجاد شده و در زمینه‌های مختلف از سازماندهی همبستگی بین‌المللی با مبارزات خلقهای کشورهای تحت ستم را به پیش می‌برند. در نوشته حاضر بطور موجز به جایگاه کمیته‌های همبستگی در فعالیت بین‌المللی ما، نحوه عمومی شکل دادن به آن و سیاست سازمان در قبالی این کمیته‌ها میپردازیم. در آینده‌های خواهم نمود که درباره مضمون پارهای از این کمیته‌ها بطور جداگانه بنویسیم.

جایگاه کمیته‌های همبستگی در فعالیت بین‌المللی ما:

کمیته‌های همبستگی اهرم فعالیت مستمر برای سازماندهی همبستگی بین‌المللی با انقلابیون هستند. این کمیته‌ها در کنار ارتباطات و اقدامات احزاب سیاسی و نیز در کنار فعالیتهای توده‌ای و دمکراتیک احاد مهاجرین ایرانی، وظیفه دارند که کارزار همبستگی با مبارزات مردم ایران را به نحو مستمر سازمان داده و اهداف معین خود را در خلال حوادث سیاسی جاری دنبال کنند. این نوع کمیته‌ها در فعالیت‌های همبستگی دارای کاربری و نقش نسبتاً موثری بوده و بعضاً درغیا با اشکال دیگر فعالیت‌های همبستگی به عنوان مهمترین شکل آن عمل کرده‌اند. مثلاً کمیته‌های همبستگی با انقلاب نیکا را گوشه، مهمترین و موثرترین ابزارهای سازماندهی همبستگی بین‌المللی با این انقلاب بوده و سهم‌ناسته‌ای در پیاری به خلق نیکا را گوا برای مقابله با تهاجم میریالیسم یا نکی و مزدوران آن داشته‌اند.

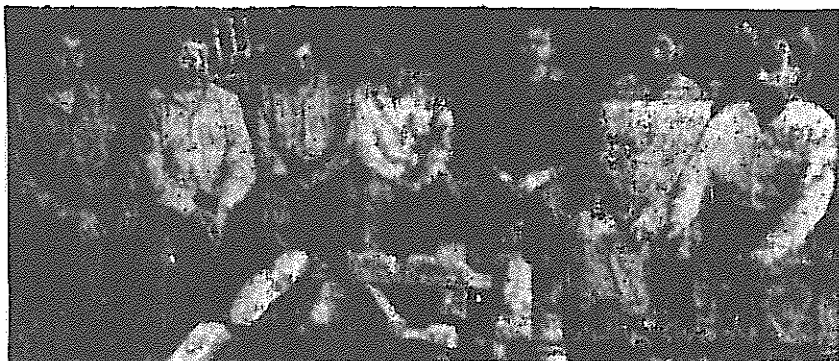
اهمیت کمیته‌های همبستگی برای فعالین جنبش دمکراتیک و جب ایران در خارج از کشور از دیرباز تا حد زیادی روشن بوده است. در دوره رژیم ستم‌ناهی کارزارهای همبستگی با زندانیان سیاسی و بویژه مبارزینی که محاکمه شده و یا در خطر اعدام قرار داشتند، از جمله با استفاده از حربه کمیته‌های مزبور صورت گرفتند و غالباً نیز موثر بودند.

ویژگی کمیته‌های همبستگی کدام است؟ تفاوت فعالیت کمیته‌های همبستگی با تشکلهای دمکراتیک وسیع کدام است؟ آیا این سوال با بدیا سخ روشنی داد. ویژگی اصلی کمیته همبستگی در این است که بعنوان یک جمع نسبتاً محدود، کار را و چالاکانه را ملی خود را فعالیت تبلیغاتی، ساختن افکار عمومی و بسیج آن در جهت سازمان دادن همبستگی با مبارزات مردم

## مصاحبه مطبوعاتی رفسنجان

## ده تن شمش طلا، مفرغشدا

یافت میشود و هر کس می تواند چندین تن از آن را خریداری می کند و در شرایطی که دولت به شدت مداخلات صنعتی را تشویق می کند و قانونی بپسندد ممنوع صدور مفرغ وجود ندارد، معلوم نیست که مجرم چرا آنها را به دقت جاسازی کرده بسوده است! البته کمیته چند روز پس از این حادثه خبر کشف مقدار زیادی مس را که قاچاقچی ها قصد بردن آن به ترکیه را داشتند، درج کرده است. بنظر می رسد که قاچاقچی ها و غارتگران ثروتمندی ملی، دیگر چیزهای ارزشی را برای قاچاق بیسند نمی کنند و احتمالاً در روزهای آینده با بیسند



شاهد کشف قاچاق سنگ آهن، گج، و غیره باشیم. وی شایده در اثر انشعاب درون حاکمان طرفین امسوال یکدیگر را مبادره می کنند!

در این چند ساله برای احزاب و گروههای سیاسی قانونی به وجود آمده است " شده است .

## تویوس های دست دوم آلمان

## در تهران

ولی الله چهپور مدیرعامل شرکت واحد تویوس سرائی در تهران در اولین روز یکا رگیری! تویوس های دست دوم با سزای شده آلمانی به خبرنگاران گفت که آنها با اختتام اعتباری معادل ۱۲ میلیون دلار از رزمنداکره با کمپانی فروشنده آتویوس ۳۰۵ آلمان فدرال، تعداد ده دستگسسه آتویوس با سزای شده با بیژگیهای حمل و نقل شهری خریداری و تعداد ده دستگسسه از آن در مرحله اول در تهران و شهرستانها بکار گرفته خواهند شد. نا مه ۱۴۶ نفر از نما یندگان

## مجلس به رفسنجان

۱۴۶ نفر از نما یندگان مجلس طی نامه ای به رفسنجان خواستند که امسال روز ملی مبارزه با استکبار ( سیزده آبان روز اشغال سفارت آمریکا ) با شکوه بیشتری برگزار گردد و در این روز جنایات آمریکا ذکر شود. بخش بزرگی از نما یندگان مجلس که رئیس جمهوری خود را خوب می شناسند در " صد آمریکا " بودن او تردید دارند، مجبور شده اند طی این نامه روز ملی را به وی یادآوری نمایند. و با تحت فشار گذاشتن او و راه انداختن هیاهو در این روز بلکه بتوانند سنگ های دیگری بر جاده اتمالی به آمریکا که رفسنجان در ماف کردن آن تسلط می کند بیا نندازد.

در هفته های گذشته رسانه های گروهی رژیم با آبتاب کشف هفت تن طلا جاسازی شده در دو کامیون را که قصد خروج زکشور را داشته درج کرده بودند، حالا با همان آبتاب و جنبل و جادو به مفرغ تبدیل کرده اند. معلوم نیست در مملکتی که بخاطر سنها و مناسبات اقتصادی موجود، هر بیسوزن روستائی قادر است طلا را از مفرغ تشخیص دهد، چه گونه مقامات مسئول ژاندارم ری رژیم علیرغم اینکه در محل کشف شمشها آنها توسط زرگران مورد

معاینه قرار داده اند، متوجه مفرغ بودن آنها نشده اند! بنا به نوشته روزنامه کیهان شمش های مفرغ در میدان شوش تهران به وفور ژاپن یک میلیار دلار به ایران پرداخت میکنند

آقا زاده وزیر نفت رژیم در یک مصاحبه

مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی با خبرنگاران داخلی و خارجی اعلام کرد که مقررت نامه بیسن کمپانی میتسونی ژاپن و شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران امضاء شده و طرف ژاپنی موظف شده است تا سه ماه آینده یک میلیارد دلار بابت عدم انجام تعهدات مالی نسبت به پروژه پتروشیمی ایران و ژاپن پرداخت نماید. به موجب این مقررت نامه، ایران و ژاپن به شراکت خود در پروژه پتروشیمی بندر امام خمینی خاتمه داده و قرارداد اصلی آن با محاسبه تعهدات طرفین فسخ گردید. لازم به تذکر است که ایران با دیدن مبلغ فوق را به بانکهای ژاپنی که نزد آنان بدهکار است بپردازد. آقا زاده در این مصاحبه ادعا کرد که ایران با نیم میلیارد دلار باقی مانده، پروژه را که اکنون کاملاً متعلق به ایران است تکمیل خواهد کرد.

## نامه نهضت آزادی به رفسنجان

" نهضت آزادی " حزب مهدی بازرگان اولین نخست وزیر رژیم خمینی که تا بحال با حمایت از رژیم توانسته است از ممنوعیت و انحلال فرار کند، در نامه ای به رفسنجان رئیس جمهوری خواهان تسریع صدور مجوز فعالیت برای نهضت آزادی شده است. نهضت در این نامه با یادآوری قول هائی که رفسنجان داده است خواستار بر طرف سازی " محدودیت ها و ممنوعیت هائی که

روز ۱۲ اکتبر رفسنجان در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی شرکت کرده و به سئوالات خبرنگاران داخلی و خارجی پاسخ داده دولت ایران از مدتها پیش برای این مصاحبه تدارک دیده و خبرنگاران زیادی را از خارج دعوت کرده بود. طبق گزارش خبرنگار ریفها در حدود هفت خبرنگار و فیلمبردار خارجی در این مصاحبه شرکت داشتند. رفسنجان بعنوان مرد اول قوه مجریه رژیم تمام حرفها و اظهاراتی را که تا بحال مقامات درجه دوم رژیم در وزارت خارجه و غیره بیان کرده بودند، تکرار کرد و نتوانست چیزی بیش از آنها ارائه دهد. او در رابطه با از سرگیری مناسبات سیاسی با آمریکا شرط آزادی سبده های ایران در نزد بانکهای آمریکائی و آزادی همه گروهگانی را گذاشت و به سرمایه گذاران داخلی و خارجی برای تأمین امنیت پولهایشان تضمین داد. در همین رابطه بلافاصله سخنگوی دولت آمریکا اعلام کرد که مساله پولهای ایران ربطی به مساله گروهگانی و حتی گروهگانی ایرانی در نزد نا اونیست ها ندارد و ایران باید گروهگانی را آزاد کرده و از تروریست پروری دست بردارد. پارلمان آمریکا، چهار کشور ایران، لیبی، یمن جنوبی، عراق، کره - شمالی را تروریست پرورنده میداند و صدور اسلحه به این کشورها را منع کرده است.

## روزنامه جمهوری اسلامی

## و تقدیر از شورای نگهبان

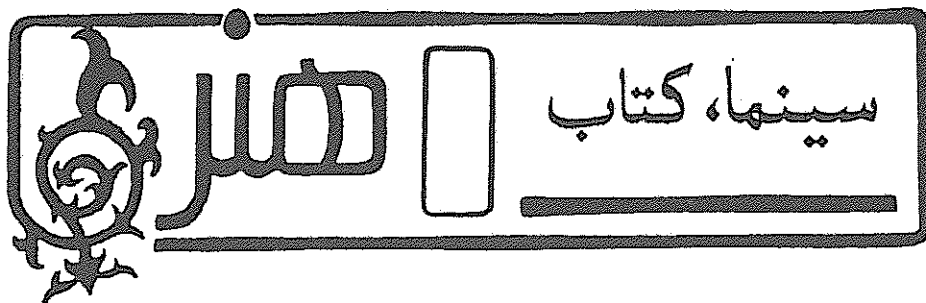
روزنامه جمهوری اسلامی و تقدیر از شورای نگهبان شورای نگهبان قانون اساسی رژیم اسلامی طرح مصونیت نمایندگان مجلس را رد کرد. نماینده گان مجلس که خود عمدتاً از چاکران و مزدوران رژیم هستند، در سال گذشته چندین مورد در شهرستانها و حتی در محلی که نماینده آن هستند، توسط ارگانهای سرکوب رژیم با زداشت و با زجوشی شدند. آنها در حل این مشکل در جلسه ۶۸/۷/۱۵ مجلس ماه واحده ای در مورد نحوه رسیدگی به مسائل قضائی نمایندگان مجلس به شرح زیر: " رسیدگی به آنها مات قبل و دوران نمایندگی مجلس شورای اسلامی تنها از طریق دادسراها و دادگاههای زیربط که در تهران مستقر هستند انجام می گیرد و هرگونه اظهارات، اظهار رویا جلب آنها نیز تنها از طریق مجلس شورای اسلامی صورت خواهد گرفت" تصویب کردند. اما شورای نگهبان طرح مذکور را مقابله با قانون اساسی، خلاف شرع و موازین قضائی دانسته و رد کرد. بدین سبب روزنامه جمهوری اسلامی طی مقاله ای در شماره ۶۸/۷/۱۷ زشورای نگهبان تقدیر کرد. از نظر این روزنامه در ارزشهای اسلامی هیچ کم بردیگری نباید ارجح شمرده شده و دارای امتیاز ویژه ای باشد. همه مردم و حتی ( با مطلاع ) نمایندگان آنها در مجلس در مقابل ارگانهای سرکوب رژیم دارای حق مساوی هستند!

۱۴ سالگی پس از مرگ پدرش از حاجی محمود، برادرزاده پدرش که سرپرستی و اداره خانه حاجی ادیب را به دست دارد، میخوابد که زن او بشود میشود. چهار سال بعد طوبی به این گناه که برای نخستین بار بی‌خواست خودش از خانه شوهر بیرون رفته و تنها مروزگم شده است، سه تلاقه میشود. طوبی در روزگم شدنش به تمام دفعات با آقای خیابانی "آخوندانقلابی" (۴۸ص)، نمازینده مجلس و هسل تبریز آشنا میشود و همین دیدار کوتاه تا آخر زندگی، ذهنش را مشغول میدارد و زمانی نیز روزنامه‌های که نیمه پنهانی منتشر میشود می‌بند تا سخنرانی‌های خیابانی را در مجلس بخواند.

این بیوه جوان بزودی با یکی از اشراف‌دگان درویش مسلک قاچاقچی ازدواج میکند و به همراهی‌های آنان خوانده میشود و به اندیشه‌ها و دنیای دیگری متفوت با چارچوب خانگی سنتی آشنا میشود و بحث‌های سیاسی میشوند. با انقلاب مشروطه و آرزوگونی سلسله قاچاقچیان روی کار آمدن خان‌دان پهلوی زندگی بر او سخت میشود و دوباره به قالی بافی روی می‌آورد و....

"کوتاه سخن آنکه رومان "طوبی و معنای شب" با همه نارسایی‌هایش که میتوان در آن یافت اشرار زنده‌ای در ادبیات فارسی است و خواندن آن دلپذیر است. در این رومان بسیاری از دیگرگونی‌های زندگی زن در ایران از آغاز انقلاب مشروطیت تا به امروز کم و بیش نمایان شده است و نویسنده فرا موش نمیکند که به خواننده یادآوری کند که دست‌کم از یک سده پیش و از آغاز انقلاب مشروطیت در کنار اکثریت زن سنتی که اغلب پذیرای دیگرگونی‌ها بوده، زنان دیگر نیز دوش‌دوش آنان همیشه میزیستند که از سنتها بریده بودند...."

قلمستان حسین دولت آبادی، پاریس  
سمايشنامه قلمستان گذری است به روستایی در حاشیه تهران، پس از انقلاب با مکتبی سررویی قلمستان "چلمرد"، زندگی چلمرد "رعیت و باغدار" و خواننده‌اش در این روستا و مخالفت و مبارزه‌اش با پهلیدی‌ها، موضوع نمايشنامه است. چلمرد در این راستاست که به شلاق کشیده میشود ولی با تن خونین و زخم‌خورده بر سورا می‌دمد، دمیدنی که به مبارزه طلبیدن است، و آغاز زبیدانی و گسترش روشنائی... "داود خدا" و "برخورد" ۲۰۴، در آلمان غربی نمايشنامه‌ها و دخدا، نمايش گوشه‌ها و نسی از دردها و رنج‌های مردم جنوب شهرتهران و برخوردها و برداشت‌هایشان از مسائل سیاسی و اجتماعی روزها معلمان است. نمايشنامه برخورد نیز رویدادهای رخ داده در یک مؤسسه انتشاراتی در تهران را در قالب نمايش بیان میکند. این نمايشنامه برخورد می‌ان "کارگران پیشرو" مؤسسه با کارفرما و حمایت پادشاهان جمهوری اسلامی از کارفرما و... را به نمايش می‌گذارد.



### اسکا ربرای صدقهرمان

چندی پیش اعلام شد که "داستین هافمن" بازیگر ۱۵ساله آمریکایی به خاطر بازی در فیلم "مسرد با رانی" موفق به دریافت جایزه اسکار گردیده است. داستین هافمن که با فیلم "پدرخوانده" در ایران مشهور گردید از هنرپیشه‌هایی است که می‌خواهد واقعیت را به پرده سینمای آمریکا بازگرداند. واقعیتی که به دنبال جنگ جهانی دوم همیشه سعی گشته و آرویه جلوه داده شود.

پس از جنگ جهانی دوم و تمفیه‌ایی که توسط جریان مک کارتیسم در عرصه هنر آمریکا صورت گرفت سینما نیز به جولانگاه قهرمانانی تبدیل شد که یک تنه قهرمانان را در کارهای خود بودند. قهرمانان نسی شکستناپذیر، خوشگذران، دانا و مدبر در تمام عرصه‌های فکری و علمی و در اصل نافی هرگونه تفکری جز آنچه رهبران آمریکا را خوش آید. این قهرمانان قادرند هر کار غیرممکنی را ممکن سازند، یک شبه شهری را به آشوب میکشاند، لشکر عظیمی را منهدم میکنند، عدالت (البته به شیوه هالیوودی) برقرار میکنند و... بیش از چهار دهه است که سینمای آمریکا و با طبع سینمای جهان در تخیلات این تفکر است. هر از چندگاهی جرقه‌هایی جهت شکستن این جوبه چشم میخورد ولی گمان کن که کم‌همان است که بود. جنگ سرمایه‌داری چنان این هنر را میفشارد که بیرون رفت از آن بسیار مشکل است. "پدرخوانده" از آن جرقه‌هایی بود که "مارلون براندو" و "داستین هافمن" هر دو در آن نقش داشتند. پس از پدرخوانده "داستین هافمن" فیلم‌های زیادی با بازی کرده است. بزرگ مرد کوچک "کاسوی نیمه شب"، "گرا جوشت"، "ماراتن من"، "پاپیون" و...

تمام فیلم‌هایی که داستین هافمن در آنها ایفای نقش نموده در یک چیز نقطه مشترک دارند. نقطه مشترکی که میتوان به آن "صدقهرمان" گفت. چیزی که سینمای آمریکا فاقد آن است. صدقهرمان برخلاف "قهرمان" انسانی است عادی و زمینی. آنطور می‌بیند که دیگران. از چو دیگران می‌ترسد و در تصمیم‌گیری‌ها، دلزد دارد و اگر جوشت، او میتواند آدمی خبیث یا دشمنی در عین حال بی‌گناه (کاسوی نیمه شب) و با قهرمانی که در عین قهرمانی در او جترس قرار می‌گیرد (ماراتن من) و... اینهاست که از "ها فمن" یک هنرپیشه برتر می‌سازد. این برتری را به عینه در فیلم "پاپیون" میتوان دید که "صدقهرمان" (ها فمن) با بیسک قهرمان (استیو مک کوئین) همبازی میگردد و در کنار

هم‌نقش بازی میکنند. بازی "ها فمن" در این فیلم و حالات او بهترین نمونه گویا برای ارزیابی مبتواند قرار گیرد. بازی او در این فیلم در اصل نفی بازی "استیو مک کوئین" است. خلاصه اینکه "داستین هافمن" برنده مسال جایزه اسکار از معدود هنرپیشه‌هایی است که میتوان گفت هم در عرصه بازیگری و مهارت هنری و هم در عرصه نظری، هنرمندی است دارای سبک. فیلم‌های او گویای کار او در این زمینه است.

### معرفی کتاب

یک عکس جمعی ق. فرسای آلمان غربی این مجموعه شامل پانزده داستان کوتاه است، که تحت عنوان "داستانهای میهنی" و "داستانهای مهاجرت" آورده شده است. در میان داستانهای میهنی و داستانهای تبعیدی برخی از داستانها به زبان آلمانی و انگلیسی نیز ترجمه شده است. این کتاب جایزه بورس ادبی هانریش بل - ۱۹۸۸ را نیز بخود اختصاص داده است. و اسپین نامه‌ها "استان دختین مقاصت" جلد اول گرد آورنده آرش ۱۳۶۸، انتشارات شقایق آلمان غربی

و اسپین نامه‌ها مجموعه بیست و نه وصیت نامه نوشته و سروده زندانیان سیاسی است که به دست رژیم جمهوری اسلامی به شهادت رسیده اند. در بخش پایانی کتاب (بخش اسناد)، دستنوشته‌ها و برخی از یادگارهای جانب‌اختگان نیز آورده شده است. در پیشگفتار کتاب آمده است:

"...گردآوری و پاسداری از این اسناد، ستایش اندیشگی و کردار بزرگوارانی است که دنیا ز تاریخ و آبروی جهان و انسانیت انسد، بزرگوارانی که "در جسم خود فانی اما در عمل خویش جاویدند."

طوبی و معنای شب شهرنوش با رسی پور، تهران طوبی و معنای شب تازه ترین اثر شهرنوش با رسی پور است. عبدالحمید ابوالحمدر در رابطه با معرفی و نقد این رومان اجتماعی - سیاسی تحت عنوان زن، سنت و سیاست در آدینه شماره ۲۷ (مهرماه ۱۳۶۸) مینویسد:

"طوبی زنی است که کمی پیش از "غوغای مشروطیت" (۳۳ص) و نه انقلاب مشروطیت، یعنی آغاز سده بیستم میلادی در یک خانواده روحانی به نام حاجی ادیب زاده شد و در کودکی درس قرآن، خواندن و نوشتن و قالی بافی آموخت. طوبی در

# منوچهر محجوبی

## در گفتگو با پیام کارگر

### طنز و تارین طنز در ایران (۳)

پیام کارگر : آیا این سه نشریه انعکاس گرایش های طبقاتی خاص بودند ، و آیا مطلسی درج شده در آن ها، که به یک کارزار سیاسی ، دا من بزند ، یا یک حرکت سیاسی را به سهم خودش تشدید کند وجود داشت ؟

محجوبی : روزنامه های توفیق و حاجی بابا ، روزنامه های فرا طبقاتی بودند ، که موضوع صحبتشان بیشتر طبقات پایین اجتماع را در بر می گرفت اما روزنامه جلنگر شاعر مشخصی داشت .

"بتکنی ای قلم ای دستاگر پیچی از خدمت محرومان سر"

بنا بر این موضع طبقاتی جلنگر روشن بود ، دفاع از محرومان و مشخصا طبقه کارگر . بنا بر این هر چه می نوشت می دانست با چه هدفی ست و برای چه می نویسد . جلنگر تنها روزنامه ای بود که هدف دفاع از طبقه کارگر و رده نظام .

همانطور که میداند دوره ی مورد بحث ، در واقع دوره ی بحران نفت بود و تا شیب روزنامه ها را در رابطه با این بحران می توان دید . روزنامه جلنگر متاسفانه در این رابطه نقشی منفی ایفا کرد چرا که شاعر حزب توده را می داد که در واقع در بررسی تاریخی این نقش منفی ، همان خیانت بود . در آن موقع چپ سنتی یا چپی که در آن دوره وجود داشت ، صدق را نمی بیند بورژوازی ایران می دانست این چپ می خواست صدق را از مردم جدا کند ، و به مسردم بفهماند که صدق از طبقه ی آنها نیست ، که این مساله در آن موقعیست مبارزه فداستعماری به هیچ وجه کمک کننده نبود . در آن موقع روشنفکران طبقه کارگر را حتی کسانی در بر می گرفتند که از این طبقه نبودند اما برای این طبقه کار می کردند . روشنفکرانی که عمدتا خرده بورژوا بودند ، خب نه آموزش لازم برای طبقه کارگر نبودند شرایط فرهنگی ، اقتصاد دسیاسی ضرور که بتواند روشنفکران خودش را پرورش بدهد ، اگر کارگری هم آگاه می شد ، آگاه های ارزش تجزیه داشت نه تئوریک ، روشنفکران آن دوره در واقع مدافع طبقه ی کارگر نبودند و عمدتا هم تحت تاثیر حزب توده و حزب کمونیست شوروی ، این روشنفکر در بر خوردش با اقدامات بورژوازی به ارزش اقدامات در بعد ملی توجه نداشت و تلاش این بود که فقط طبقه کارگر را ب طرف خسودش بکشد و این در آن دوره زیانهای فراوانی بهمراه داشت ، چنین درک و بر— داشتنی در مطبوعات طنز هم خود را نشان می داد ، آنهم با شدت و اغراق بیشتر چرا که اغراق یکی از ابزارهای مورد استفاده طنز است . برای مثال ، مصدق رقا صهای معروف می شد که در حال رقص برای آمریکا ست ، چماقدارانی نشان داده می شدند که سرخ آن ها در دست مصدق است ، چماقدارانی همچون شعبان بیخ که وابسته به دربار بودند و این کارهایی بود که متعاقب آن تحلیل طبقاتی که گفتم ، طبیعی می نمود!

پیام کارگر : شورای متحد کارگران ، بعنوان یکی از بزرگترین شکل های سرتاسری در آن هنگام من فقط در سازماندهی جنبش کارگری ، حتی در سازماندهی جنبش دهقانان بویژه در شمال نقش داشت در واقع در آن دوره همسای بزرگترین شکل کارگری در تاریخ سیاسی میهنمان را داشتیم ، آیا جلنگر با طنزی که ارائه میداد جذب و تا شیبی در رابطه با این سازماندهی و حرکت داشت ؟

محجوبی : بله ، حسی در میان نویسنده های جلنگر کارگرهایی با ذوق ، زیاده وجود داشته ، من خودم کارگری از کارگران کارخانه ای امپلمان را می شناسم که شعری گفت و شعرهایش هم در جلنگر چاپ می شد ، نه تنها او تعداد دیگری هم بودند که در صفاها ، که شهر کارگری پر جنب و جوشی بود ، با جلنگر کسار می کردند . اتحادیه هم در صفاها فعال بود . من سفر لوسی سایان ، نماینده فدراسیون بینا لمللی کار را که مسئول اتحادیه میزبانان بودم یاد دارم

و آن استقبال خوب را ، اما نقشی که جلنگر در این رابطه داشت ، توفیق و حاجی بابا نداشت ، اگر هم بود یک نقش حاشیه ای و گذرا بود . جلنگر هم اگر داشت به واقع بدلیل سیاست حزبی اش بود و تماسش با کارگران ، در رابطه با دهقانان هم همینطور ، بخصوص در امفیان اینها دهی به نام "شیدو" را سوسیالیزه کردن که البته بعد از ۲۸ مرداد قلع و قمع شد ، در آن دوره حتی ارباب و زمیندارم را زده بیرون کردند و خودشان ادا رهی ده را بدست گرفتند . حتی با ملای ده هم در می افتادند که این کار سدهای نبود ، چنین امکان و ارتباطی این امکان را به جلنگر می داد که با دهقانان هم ارتباط داشته باشد ، هم آن ها برای بنویسند و هم جلنگر بر آن ها تا شیب بگذارد ، این ارتباط در شمال ایران ، بدلیل سطح فرهنگی بالاتر و بیشتر و عمیق تر بود ، بدلیل روشنتر تر بودن مردم شمال ایران ، در مقایسه با مردم مناطق کویری نیز بسیار است که به آن نمی پردازم ، بنا بر این بدلیل وجود شکل های حزبی در کارخانه ها و روستا ها و نیز وجود فعالیت های وسیع حزب ، جلنگر نیز ، که در واقع روزنامه ی حزبی بود در این شکل ها ، هم برای مداخله و هم شرکت شیروهای کارگر و دهقان و تفکر کارگری و دهقانی در انتشارش بی بهره نبود .

پیام کارگر : خب ، رسیده بودیم به ۲۸ مرداد .

منوچهر محجوبی : بعد از ۲۸ مرداد در واقع دیگر طنزی وجود نداشت طبیعی بود دیکتا تو را همیشه نخستین کارشان خفه کردن طنز نویسها بوده و هست ، اما طنز نویسها که ول کن نبودند ، اولین قربانیان بودند ، اما اولین آغ از کشته ها هم بودند ، بلانقا صه بعد از ۲۸ مرداد "حسن صدر" "قیام ایران" را در آورد (که ربطی به قیام ایرانی که فعلا در میانه ندارد) ، "فرشید" ، که نام روزنامه ما ش را فرا موش کردم ، هم روزنامه های در میا ورد ، درست زمانی که کودتا هنوز تا زمان خودش را نداشت .

"قیام ایران" را کاریکا تو را هایش معروفش کرده بود تا جایی که روزنامه ۲ ریلی گاه به قیمت ۱۰۰ تومان هم خرید و فروش میشد ، یکی دوتا کاریکا تو را های خوش را به یاد دارم . یکی از آنها امینی را در حال ملاقات با "پیچ" نشان میداد ، ملاقات و مذاکره ای درباره کنسرسیوم در قالب ملی شدن صنعت نفت ، کاریکا توریست چهار چوبی کشیده بود که بالای آن نوشته بود "قانسون ملی شدن صنعت نفت ایران" ، اما میخواستند طوماری را در این چارچوب جا بدهند که ملادرجا رچیج جانمی گرفت و از این وروآ نورش بیرون میزد و بالاخره هم چارچوب را شکستند و طومار روی آن جا دادند و میگفتند "حالا درست شد" . و کاریکا توریست کاریکا تورا لاکا "بهرای می" "بود ، درختی بود بنا م "ملت ایران" شایدهم "صنعت نفت ایران" "دورا بن درخت یک پیچیک پیچیده بود ، روی آن نوشته شده بود "پیچ مین الدوله" ، در واقع پیچ مین الدوله اسم سیاسی است که می شناسیم اما منظور کاریکا توریست این بود که این پیچ در واقع پیچ "امینی" و "پیچ" است ، این روزنامه فقط ۴ شماره در آمد .

کودتا در واقع همه صداها را خفه کرد و بعد هم ساک بوجود آمد ، روزنامه ها هائی در میا مدما حرفی نمی زدند و رژیم هم نمی گذاشت حرفی بزنند ، مثل "نا هید" "یزدان" ، "لوطی" ، "و... فکر میکنم ما سفند ۱۳۳۷ روزنامه "توفیق" در آمد ، البته این روزنامه مستیاز توفیق را نداشت ، چونکه حسن توفیق رفته بود و مستیاز روزنامه ای بنا م فکا هی را گرفته بود ، اما روزنامه آرمی شبیه به نوشته توفیق داشت و آیه ای که در واقع روی توفیق تکرار میشد "من الله توفیق و علیه تکلم" از این روزنامه استقبال خوبی به عمل آمد ، با تیراژی حدود ده هزاره برای این دوره خوب بود ، و این برای یک روزنامه طنز در آن دوره خوب بود ، ما هم ذوق کردیم و با آن شروع به کار کردیم و به تدریج دور هم جمع شدیم ، بعدها از آن بیرون آمدیم ، ظاهرا بخاطر اختلاف سلیقه ، اما پشت آن نیز یک مقدار مسائل سیاسی نیز مطرح بود ، چرا که نوعی سانسور شخصی هم آنجا اعمال میشد ، روزنامه قبیل از بیرون آمدن نسخه ای هم در اختیار ساواک قرار میداد و ساواک اگر با مطلبی مخالفت میکرد میباید آن مطلب حذف میشد ، البته زرنگی هائی هم ، مثل نشان دادن سانسور در کار نبود ، اما ساواک هم از اینکه مردم بفهمند سانسور در کار است بیسی نداشت ، مثلا خود من هم که در روزنامه مکیان ستون "غلطاه" ، زیاد دی "را داشتیم را جعبه سانسور هر چه می نوشتیم چاپ میشد ، اما در مورد مسائل جامعه اگر چیزی می نوشتیم سانسور میشد ، شایدهم عمدی این کار را میکردند تا

در مردم نوعی ترس از اسانور بوجود آورند، ونوعی خودسانسوری بوجود آورند توفیق وقتی مطلبی از آن اسانور میشد جای آن کادرسیا ه میگذاشت، که هر چه میگشتی چیزی آنجا نمیدیدی، جز کادرسیا ه، مردم فکر میکردند که چیزی چاپ شده وروی آن اسانور کرده اند وحتی تلاش میکردند مطلب زیرتخته سیا ه را زیر نور بخوانند.

بهرحال توفیق محملی شده که طنزنویسها دورهم جمع شوند، اما توفیق تلاش میکرد انحصاری ساندوروزنا مه طنز دیگری درنیا بد، از جمله پرویز خطیبی تلاش کرد روزنا مه "حاجی بابا" را در آورده که اینها مانع شدند بهرحال نوعی تنگ نظری وانحصارطلبی هم در آن ها عمل میکرد، این جماعت که در آری ماهی ۱۰۰ تومان به محمدعلی توفیق امتیازا ورا گرفته بودند، بعدها به پسرش حسین، که به حسین طلا" معروف بود فقطما هی ۲ تومان میدادند، میلیونو نشوند و حالانیز در امریکا زندگی مرفهی دارند، آن هادروران انقلاب هم کاری نکردند، فرصت طلبانه نشستن که ببینند ما بیرون میاثیم یا نه، و بعد سرکوب شدن ما را ببینند و جا ده صاف ویا زبرای خودشان، مذاکراتی هم با "بنی صدر" داشتند تا از امکانات اوستفا ده کنند و توفیق را در سیا ه ورنند، بیامکارگر: شما از انحصارطلبی و تنگ نظری دست اندرکاران روزنا مه توفیق گفتید، آیا سناست رژیم هم این نبود که فقط یک روزنا مه بلنزد در سیا ه بد که اوبتواند بهتر مهارش کند؟ در ضمن در مورد گرایشهای سیاسی مختلف درون توفیق هم، اگر امکان دارد برایمان بگو.

مجبوی: در آن هنگام، برادرانی که روزنا مه توفیق را میگردد اندند، خودشان مهارشان دست رژیم بود و ازمقریبین دستگا ه بودند، در واقع اسانور روزنا مه و ما دست این جماعت بود، اگر هم چیزی از دستشان در میرفت و ساواک میفهمید فوراً نویسنده مطلب را به ساواک لومیدادند، در مورد من که این کارا کردند، وقتی سرهنگ سعادت مند "مسئول مطبوعات ساواک سراغ من فرستاد سیا ه پرونده ای که برای بررسی آورده، تمام روزنا مه های توفیق درونش بود، از اسم واقعی کسانی که با نام مستعار چیز می نوشتند هم خبر دادند، آنها حسنی کتاب چاپ کردن ما را هم خبر داده بودند و مانع چاپ و انتشار آن شدند، طبیعی هم بود که بتوانند مانع شوند، چون با دستگا ه را بطه ای نزدیک داشتند و در همه جا حتی دادگستری هم پرنفوذ بودند.

ما برای کتاب هم این بود که ما وقتی از روزنا مه توفیق بیرون آمدیم، در فکر در آوردن روزنا مه بودیم، اما با مشکل امتیازا مواجه بودیم، بنا بر این فکر کردیم کتاب منتشر کنیم و نام سلسله انتشاراتمان را هم "حاجی فیروز" بگذاریم، در این مورد تبلیغ هم کردیم، ساواک به چاپخانه ای که نام و مکانش را به کسی نگفته بودیم، ریخت و کتاب را ضبط کرد، بهرحال آنها ابائسی نداشتند از اینکه نشان دهند که ساواک و شهرپائنی عامل اجرای منویات آنها است، ما بعدا مسئله را در روزنا مه ها مطرح کردیم وحتی در "تهران محور" هم مقاله ای در دفاع از ما نوشته شد، اما فایده ای نداشت.

گرایش های دیگری هم بود، ما بهرحال مردم طنزنویسان را در واقع ا بوزیسیون رژیم میدانستند، گرایش چپ بود که بیشتر بدلیل فورما بدلولو-ژیکشان مشخص میشدند، سایرین هم بودند که شناسنا مه شخصی در این رابطه نداشتند، اما بعدا از انقلاب گرایشها مشخص ترشد، در واقع انقلاب به آن گرایشها صراحت بخشید.

در آن دوره "مثلاً" بوالقاسم حالت "یک تفکر نیمه مذهبی داشت همراه با محافظه کاری های خاص خودش". "ابوتراب جلی" توده ای بود و زنانه رفته که سردبیر روزنا مه "عبرت" هم شد، بعدها زوبه غزلیات عاشقانه آورد و وقتی هم با دوباره توی راه گذاشت مثل گرگ باران دیده، یا ما رگزیده، از ریسمان سیا ه و سفید میترسید، هم خودسا نسوری و هم احساس گناه در او و شدید عمل میکرد، اودر سالهای ۳۲ در کتابهای "ابراهیم" و "موسی"، که کظا هرا مذهبی بودند حرفهایش رازده بود، کتابهای فوق العاده بود، اما بعدا از انقلاب "کتاب علی" را نوشت که صرفا مذهبی بود و ملاسی سمبلیک نبود، البته من خود در جامعه ای که مردمش آن اند! زهدرگرو مذهب بوده و هستندا ستفا ده از سمبلیهای مذهبی را برای بیان مسائل نمیبستند، اما ماب تیبهای مذهبی و نیمه مذهبی هم در کنارمان بودند، البته به ابوالقاسم حالت هم اشاره کردیم.

نکته ای که بدن نیست! اینجا اشاره کنیم اشاره به سنتی ست که "دهخدا" گذاشت اودر مجله جدی، ستون طنز گذاشت و طنز را از انحصار، فقط و فقط روزنا مه های طنز بیرون آورد، تلاش توفیق هم برای سدر کردن این راه بی فایده بود، من در "مجله نگین" اینکارا کردم، توفیق همه به "عنایت" گفته بودند طنزها را از مجله و میدزدم، عنایت هم گفته بودا و تا چندما ه قبل سردبیر روزنا مه توفیق آن موقع طنزهایش را از کجا میدزدید؟ سنت نوشتن طنز در روزنا مه سا و مجله های جدی شروعش با "جسوشا هانی" در مجله خواندنی ها، یا اشتراردی در مجله روشنفکر بود، اما این سبک کار نوعی ضدیت با ادبیات مدرن هم سناست خودش داشت، مثلاً ملورا بعنوان اشا عر موفق روزنمیشناخت، اینگونه ذهن در واقع هیچگونه تحولی را نمیبذیرفت، بعدها "هادی خرسندی" در روزنا مه اطلاعات و خودم در روزنا مه کیهان ستون های بیازکردیم که موفقیتشان بیشتر از موفقیت مان در توفیق بود، حداقل این بود که نوشته ها به اسم خودمان بود و به حساب توفیق گذاشته نمیشد و مردم نمیکفتند فلان چیزا در توفیق خواندند، در واقع توفیق به این شکل به شخصیت نویسنده ضربه میزد، صغرا و کبرا چیدنهایشان هم برای اسم مستعار ردا شتن بیپوده بود چون اسم ما را به ساواک داده بود، این وضع بیشتر تنگ نظری آنها ناشی میشد.

از آن جمع قدیم، بعدا از انقلاب ویا روشن تر شدن گرایشها برخی با آهنگر شروع بکار کردند و برخی هم با روزنا مه حاجی بابا، از همان جمع بعدا از ۲۸ مرداد برخی به زندان رفتند، برخی هم فراری شدند و در گوشه و کناره ای ران با نام مستعار به کار روزندگی مشغول شدند، برخی هم مثل "افراشته" که به بلغارستان مهاجرت کرد، به خارج رفتند، از میان فراریان در داخل "سنگری" بود، ورا ننده کابیون بود و بعدا از ۲۸ مرداد هم دوباره به همان کار برگشت، ابوتراب جلی و پرویز خطیبی هم به زندان افتادند و "محمد امین محمدی" که قصه نویس هم بود و یکی دوتا مجموعه داستان از او به چاپ رسید، سکوت اختیار کرد و برخی هم مثل جلی کارش به انتشار روزنا مه "عبرت" کشیده شد، خلاصه غیرفعالها از فعالها بیشتر بودند، در میان فعالها، همین سنگری بود و آدمهای مشکوکی مثل "نوح"، البته نوح مدتی هم زندان بود و وقتی هم ولش کردند منظومه "گرگ مجروح" گفت، که بعدا بصورت پاورقی در آهنگر چاپ شد، کارهای سنگری را هم چاپ میکردیم، با نامهای مستعاری مثل "سنگکی". اما بهرحال "نوح" گویا خبرها را به دستگا هی ها میرساند.

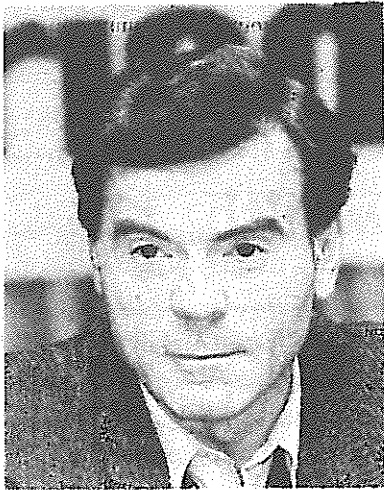
این سنگری، زندگیش قصه بزرگی است، طنز مینوشت ورا ننده کامیون بود، اموراتش نمیکششت به همین خاطر سراغ انگلیسی خوانندن رفت و شاگرد اول کلاسهای انجمن ایران و امریکا شد، اودنیال کار بهتری میگشت، که بالاخره توی آگهی ها جا ئی را پیدا کرد که به راننده انگلیسی دان احتیاج داشت وقتی سنگری به محل مذکور رفت، پی برد که آن یکی از دفا ترساواک است و راننده برای ساواک میخوانند، و خلاصه بهرکلگی بود، خودش را از شر آن هسانجات داد، بعدها هم توی یک شرکت نامهران و بسته رمان شد، در راه بطه سناست همین کاردر یکی از سفرهایش تصادف کرد و با پیش نکست، این او را خیلی آزار داد، املا و آدم بدببیا ری بود و همین بدشائسی هایش آدم را تا پای خرافاتی شدن میکشاند، او همین سال پیش به علت ابتلا به بیماری کلیوی درگذشت پسرش پیش از مرگ برای نجاتش خیلی تلاش کرد، اما بی نتیجه ماند، او "کلیه ای" در ایالتیا پیدا کرده بودا ما جمهوری اسلامی به سنگری اجازه خروج نداد، آنها گفته بودند این همه جوان توی جیبه کشته میشود بگذار یک پیر مرد هم توی کشور بمیرد، در هر حال سنگری تفکرویزه خودش را داشت که در آشارش هم منعکس است.

بهرحال در گذشته هم گرایش های دیگری بودند که از طنز فقط "خوشمزگی" بقیه در صفحه ۱۱

# نوسازی در آلمان دمکراتیک

مصاحبه رالف رابیسک رئیس بخش کمونیسم علمی

دراکادمی علوم اجتماعی حزب سوسیالیست متحد آلمان



(برگرفته از فولکس سابتونگ، شماره ۱۴۴ کثیر ۱۹۸۹ - آلمان فدرال)

س: برای چنین اقدامی میبایست ساخت حزب دستخوش تغییرات شود.

ج: در ابتدا میبایست امکانات ساخت کنونی کا ملاتوسه یافته و مورد استفاده قرار گیرد. قبل از چنین کاری در اساس نمیتوان درباره سبب تغییرات در ساختار حزب سخن گفت.

س: اصطلاح "ساخت کنونی" توسط حزب سوسیالیست در مقابل اپوزیسیون نیز یکبار برده شده و به عنوان پاسخ به درخواستهای دموکراتیزاسیون از سوی آنها، طرح میشود.

ج: ما در چارچوب سیستم سیاسی موجود، نهادهای بسیار متنوع اجتماعی داریم که جایگاه ویژه آنها میتواند جدی تر گرفته شود. ما چند صد انجمن و اتحادیه داریم که منافع اجتماعی واقعی - که مختلف و متنوعی تر از آنچه تصور میکردیم هستند را نمایندگی میکنند، و به صحنه درخواست و مبادی میآورند. در این مفهوم میتوان از این ساختار موجود به نحو دیگری استفاده نمود. این امکانی است برای نیروهای منتقد و اپوزیسیون که درخواستهای خود را ابتدا در این ساختار بیان کنند.

س: در واقعیت امر، ما را روند دیگری در چارچوب جریان دارد. نیروهای اپوزیسیون خود را در خارج از ساختار موجود در کنار یکدیگر میبندند.

ج: این امری عادی است و ما باید به آن عادت کنیم. ما به دیا لوگ، به با یکدیگر بودن نیاز داریم. ما نباید کسی را بیرون بگذاریم، بلکه باید به

داخل به سوی خود بکشیم، در این معنا، آنچه که شما میگوئید خود تغییر است که ما میخواهیم ایجاد کنیم. سیستم سیاسی آلمان دمکراتیک - میباید مثل هر گوشه دیگری با توسعه دهد و نوسازی سوسیالیستی کند.

س: آیا میتوانیم کمی هم درباره جهت نوسازی توضیح دهید؟

ج: این موضوعی است که ما برای مدتی در مورد آن مطالعه میکنیم، من فکر میکنم که مشغول نمایندگان مردم قدرت و امکان تصمیمگیری واقعی پیدا کنند. مسئله اساسا این است که در روند تصمیمگیری مردم از همان آغاز دخالت داده شده و تنها نقش اجرا کننده پیدا نکنند. برای این منظور مطلع بودن، علنییت و فرهنگ سیاسی دیا لوگ، یعنی یک فضای سیاسی که با علنییت، انتقاد و انتقاد از خود مشخص میشود لازم است.

س: حزب شما چه "اطمینان ساختاری" میتواند

س: در ادامه تحولات در آلمان دمکراتیک، رابطه حزب و دولت چگونه تغییر خواهد نمود؟

ج: ما در نظر داریم که برای اجلاس کمیته مرکزی، ما دلازم را تهیه کنیم. این موافقت را از آنجیزی خواهد بود که هم اکنون مورد بحث قرار دارد، البته سوالی که شما طرح میکنید نیز هم اکنون در دست بررسی است. در واقع تنظیم رابطه بین حزب، دولت و جامعه، برای توسعه دمکراسی نقش کلیدی دارد. نقشیشناختن حزب به عنوان مرکزی که تئوری و استراتژی را میسازد، بعنوان نیروی نوسازی و انتگراسیون سوسیالیستی، نه نقشی خود ساخته، که پاسخی به یک ضرورت، به یک مبارزه طلبی است. این پاسخ میباید همواره توسط حزب تعیین و متحقق شود. سیاست حزب نمیتواند دنیا دیدی مگر مثل گذشته با توسط پارلمان (دولتی) متحقق شود، بلکه پیشبرد آن توسط کمونیستها باید در حوزه های اجتماعی گوناگون و در ارگانهای نمایندگی مردم دنبال شود. چنین تغییری بویژه از آنجا ضروری است که رهبری سیاسی، تبدیل شدن مفاهیم به واقعیات اجتماعی و شکل دادن به ائتلافات وسیعتری را میطلبد. با این روشها، شدن وظائف حزب و دولت به کار هر دو لطمه میزند. س: آنچه که شما میگوئید مستلزم درک دیگری از جایگاه حزب شما در جامعه است.

ج: از نظر من اینطور نیست. من همیشه برای خود چنین تصویری از یک حزب کمونیست در جامعه سوسیالیستی داشته ام.

س: تصویر شما بجای خود، ما واقعیت چیز دیگری بوده است.

ج: در این مورد میتوان بحث کرد. ما میباید درک شوم خود را از توسعه اجتماعی و تغییرات (در آلمان دمکراتیک) در عمل به اجرا بگذاریم. این که از یک چرخش در آلمان دمکراتیک گفتگو میشود بی جهت نیست.

س: این چرخش برای خود حزب چه معنایی دارد؟ آیا مثلاً یک اپوزیسیون درون حزبی برای شما قابل تصور است؟

ج: نه، ما ارزش فوق العاده ای برای یک حزب متحد که یک پارچه عمل میکنند قائل هستیم. حزبی که رهبری سیاسی را متحقق میکند، اما توسعه و سیاست دمکراسی درون حزبی، دخالت دادن همه در مباحثات و در روند اتخاذ تصمیمات - نه فقط از بالا به پایین، بلکه از پایین به بالا نیز - مورد توجه من هستند.

به کسانی که در دیا لوگ شرکت میکنند، بدهد، مثلاً در قبایل قطع چنین گفتگوها نمی.

ج: من ترجیح میدهم که مقدمتا درباره "اطمینان سیاسی" سخن بگویم. مسائل کشور ما تنها از طریق دیا لوگ قابل حل هستند، هم به لحاظ فکری و هم به لحاظ راجی. از آنجا که هم اکنون شناخت بهتری از مسائل وجود دارد و ما حتی آنها را طبقه بندی نیز کرده ایم، راه دیگری برای حل آنها وجود ندارد. برای رسیدن به اتفاق نظر و عمل دمکراتیک مشترک، ما به دیا لوگ احتیاج داریم.

س: دیا لوگ میتواند به نتایجی ختم شود که با انتظارات حزب شما یکسان نباشد. مثلاً در مورد نقش رهبری حزب چه خواهد کرد؟

ج: ادعای رهبری حزب ما قبل از هر چیزی، امری تاریخی است. آلمان دمکراتیک با سیمای فاشیستی و تحولات سوسیالیستی و دمکراتیک آن بدون نقش رهبری حزب ما ممکن نبود. در عین حال میباید همزمنی سیاسی و معنوی به مفهومی که "گراشی" از آنجا میآید، در شرایطی که ساختارها، در مباحثات، در عمل و در سیاست.

س: نیستن و مجارستان نمونه هایی هستند که نشان میدهند که واقعیات خلاف جهت نقش رهبری احزاب کمونیست به پیش میروند.

ج: ما به عنوان کمونیست از اینکه احزاب آنجا نتوانستند همزمنی سیاسی و معنوی کسب کنند متأسف هستیم. سوسیالیسم به معنای یکا نگیی دمکراتیک از طریق اتفاق آراء و ائتلاف است، اما بدون مرکزیت سیاسی یک حزب کمونیست که تئوری و استراتژی را تدوین کند و ارزشها و اهداف سوسیالیستی و انسانی سوسیالیسم را حمل کند، سوسیالیسم به سختی قابل تصور است.

س: شما وقتی درباره "دیا لوگ" صحبت میکنید، بلافاصله کلمه اتفاق نظر را بکار میبرید. آیا شما هنوز مرزهای نادقیقی برای دیا لوگی که میخواهید شروع شود، معین نمیکند؟

ج: از نظر من در اساس فقط یک مرز برای دیا لوگ وجود دارد. نوسازی باید بر مبنای سوسیالیستی به پیش رانده شود. روندی ضد سوسیالیستی برای من



# همبستگی در دام

## بدون چشم انداز یک برنامہ

### دیویدا یگنا توس

اکنون که همبستگی بر کمونیسم پیرو شده است، در مقابل سؤال همبستگی قرار گرفتند است: آیا این اتحادیه آزاد که پایه‌ای در صنایع سنگین رویه زوال لیستان قرار داده، آمانه است دیسپلین سخت سرمایه داران را نهرا بیدرد؟ زیاد مطمئن نیاشید.

سؤال فوق را می‌توان منابه مشکلی دانست که هارولد ویلسون رهبر فدرام حزب کارگر در او خردمه شمت در مقابل خود داشت، یعنی مسوار بود که اقتصاد دبیما را انگلستان را توسط یک انقلاب تکنولوژیک "داغ" مدرنیزه کند، و یا ما قادر نشد که بر پایه‌های حزبی در صنایع بزرگ ملی شده مثل ذغال سنگ، فولاد، حمل و نقل و توموبیل سازی، غلبه کند. انقلاب بازاری آزادی که انگلستان به آن احتیاج داشت برای یک دولت حزب کارگری، از اندازه "داغ" بود و انجام آن از عهده مارکسرت نا چرب می‌آمد که توانست سنگین را ازجا برکند. تجربه حزب کارگر انگلیس می‌تواند درس‌های مفید و لوگنر کننده‌ای برای نخست وزیر جدید لیستان تا دیروزما زویسکی داشته باشد. زیرا بر سر سنگناشی انگشت می‌گذارد که دره سال گذشته در اروپای غربی برای همه آشکار شده است: یک دولت کارگری برای تدقیق در اجرای برنامه‌های خود به حمایت سرمایه داران نیاز دارد و بهترین راه کسب چنین حمایتی عبارت است از محدود نمودن درخواسته‌های انتخاب کنندگان حزب، یعنی کارگران. "در مقابل همبستگی همه جا دام وجود دارد" این نظر دیوید کم، اقتصاددانی از انستیتوی مطالعات امنیت شرق و غرب در نیویورک است. وی اینطور ادامه می‌دهد: همبستگی می‌باید ساخت اقتصاد را دگرگون کند به نحوی که صنایع سنگین به صنایع سبک و صنایع دولتی به بخش خصوصی تغییر یابند. این روند، با زندگان و برندگان خواهد داشت، کارگران و صنایع سنگین - یعنی پایه اجتماعی و سیاسی همبستگی - در میان با زندگان قسار خواهد داشت. اینکه همبستگی چگونه از پس این مشکل برخورد مدیرمن روشن نیست.

اکنون به هر حال همبستگی دست به کار شده است. آنچه که در اولین روزهای حکومت دولت جدید لیستان به چشم می‌خورد، فقدان هرگونه علائم روشن از سوی مازویسکی و مشاوران اقتصاددی ویدر باره اینکه آنها مشخصا چگونه عمل خواهند کرد است. حرف‌های مبهم زیادی درباره خصوصی کردن و اقتصاد بازاری آزادیه میان آمده است، اما برنامه عمل روشنی وجود ندارد.

آقای بارتلومیزکا مینسکی، استاد دیار علوم

ترجمه از کار دین هفتگی سوم سپتامبر سیاسی دانشگاه مریلند که در سال ۱۹۸۰ لیستان را ترک گفت می‌گوید: "من فکر نمی‌کنم که برنامه‌های وجود دارد، در جریان مذاکرات می‌گذرد، مسن از اقتصاددانان همبستگی سؤال کردم که آیا برنامه‌های دارند؟ آنها حتی برای بحث در این مسوود اکره‌ها داشتند. این مسئله تا حدی روانی است آنها واقعا انتظار ندارند که با چنین سرعتی، فرصت (حکومت کردن) را بدست آورند."

آشتگی اصلاح طلبان و وقتی قابل فهم می‌شود که ما به انبوه مسائلی که در مقابل لیستان قرار دارند توجه کنیم. اردوی همبستگی بین دو جنبه بزرگ از اقتصاددانان تقسیم شده است: یک گروه از اقتصاددانان "سوسیالیست" که طرفداران اقداماتی مثل خود مدیریت کارگری هستند، گروه دیگر اقتصاددانان "لیبرال" که خواهان بکار گرفتن سریع وقایع نیروهای بازاری آزادی می‌شوند. اما کدایک از این اقتصاددانان این خبر ناگوار را به دلخواه‌ها خواهد رساند که یکی از بنگاه‌های فرتوتی که در بازار جهانی نمی‌تواند بقایت کند، کشتی‌های لیسن در کدانگ - محل تولد همبستگی است؟

برای اینکه معنای با تلاق اقتصاددی کسه لیستان در آن قرار در روشن شود، به یک مسئله ظاهرا ساده یعنی اندازه اقتصاد لیستان (یا سه زبان اقتصادی "تولید ناخالص ملی") توجه کنیم. تولید ناخالص ملی لیستان در سال گذشته معادل ۳۰۰ میلیارد دلار بود. مبلغی معادل ۶۸ میلیارد دلار به نرخ رسمی، نرخ رسمی اما همانطور که همه تصدیق می‌کنند، قلابی است به نرخ بازار آزاد بازاریا سه، مبلغ فوق ۱۵۰ میلیارد دلار تقلیل می‌یابد، کمترین زلف تولید ناخالص ملی منطقه کلمبیا (در آمریکا است، اما عجله نکنید! این رقم ۱۵۰ میلیارد دلاری نیز قلابی است زیرا سیستم قیمت گذاری سوسیده شده و قلسب شده‌ای که در لیستان بکار گرفته می‌شود، ارزش (اقتصادی) واقعی کالاها را کمترین از واقعی نشان می‌دهد، اگر اصلاحات لازم را انجام دهیم، مبلغ واقعی چیزی بین ۲۰۰ و ۳۰۰ میلیارد دلار خواهد بود (ضمنا این محاسبات به همراه سایر اطلاعات و ارقام در این مقاله توسط یک متخصص آمریکایی اقتصاد لیستان استخراج شده‌اند.)

در پشت ارقام فوق، سیستم اقتصادی قرار دارد که به علت سوم مدیریت کمونیستی از فرم خارج شده و با لیا وقت لازم در اصلاح شود. مثلا بودجه لیستان را اگر مورد توجه قرار دهیم و شش می‌شود که بر طبق جلسه اقتصاددانان غربی، لیستان حدود ۱۰٪

تولید ناخالص ملی خود را صرف سوسید برای بائین نگهداشتن قیمت کالاها می‌کند. در سال گذشته بودجه دولتی که بدلیل فوق متورم بوده، معادل ۲٪ تولید ناخالص ملی، کسری داشت. این کسری در سال جاری سه‌چهار برابر خواهد شد.

نرخ بهره بانکی را مورد توجه قرار دهیم. بانک مرکزی در سال گذشته، نرخ مزیور را ۴۴٪ انتخاب نمود. این رقم ظاهرا خیلی بالاست، اما توجه کنیم که نرخ تورم در سال گذشته ۲۴٪ بود. در حال حاضر نرخ بهره بانکی بین ۶ تا ۸ درصد و نرخ تورم ۱۵ درصد است!

غم انگیز تر از همه، دستمزدها است که با سر استانداردی شدت نا زلند. یک کارگر مستوجا تدر لیستان ما هیانه ۹۰۰۰ زولوتی حقوق می‌گیرد. به نرخ بازار سه معادل ۱۲ دلار در ماه، تقریبا هفت سنت در ساعت حتی اگر مزایای اجتماعی را اضافه کنیم. بر طبق اظهار نظریان و انوس از شرکت "پلس اکان"، "دستمزد کا مل" کارگر ما هر حدود ۱۰ دلار در ساعت خواهد بود.

آنچه که گفته شد در دل بدین معنی است که تسای فنی که اقتصاد لیستان نتشیت شده است، نیاید با ایده‌های مثل خصوصی کردن و بازاریا سه بازی کرد. مثلا اگر شما بخواید مثلا مسئله خصوصی کردن یک بنگاه تولیدی در لیستان از نزدیک آشنا شوید، با این مسائل عملی روبرو خواهید بود: این بنگاه به چه کسی تعلق دارد؟ (در لیستان سوسیالیستی این سؤال پاسخ روشنی ندارد.)، ارزش آن را چگونه برآورد می‌کنید؟

بر طبق نظریه اقتصاددانان، "اگر شما سرمایه می‌فرشید، بهتر است آن را در یک اوضاع عا شات انجام دهید، اوضاعی که در آن قیمت‌ها جست و خیز می‌کنند، مبادله آزاد وجود دارد و قیمت‌های بازار جهانی را همنای شما ست". لیستان در حال حاضر هیچیک از مشخصات بر شمرده شده را ندارد.

مشکلات انتقال وقتی برای اقتصادنا دیده می‌شود همبستگی آقای توماس استا نیکیوتز که بر فوسور دانشگاه وورشوا ست روشن شده‌ای در یک کنفرانس راجع به چگونگی ایجا دبا زار سرمایه (در لیستان) در دانشگاه جورج واشینگتن شرکت نمود. پس از شنیدن سخنرانیها وی به دوستش گفت که ظاهرا لیستان در ابتدا اگر بخواید هدیک بازاریا سه واقعی ایجا دکنند، در ابتدا بیشتر به مجموعه جدیدی از مبادیان و ممیزان احتیاج خواهد داشت تسای سرمایه گذاران و بورس بازان، این البته بسیار پیچیده خواهد بود، "اظهار نظری است که دوست مزیور، آقای کامینسکی از وی نقل می‌کند.

پاسخ همبستگی به آشتگی‌های اقتصاد لیستان، مشابه پاسخی است که شما از یک حسرت کارگر انتظار دارید، تلاش برای دفاع از منافس کارگران از طریق طرح درخواست مربوط شدن دستمزدها، قیمت‌ها، قیمت‌هایی که در حال افزایش سریع می‌باشند، حتی حرف‌های درباره تقسیم مساوی فداکاری، "قرار داد اجتماعی" و غیره در میان است که به نوعی انگیزی یا داورا بده‌های حزب کارگر در دهه هفتاد می‌باشند.

سوریه و نیز آیینده آوارگان فلسطینی در این کشور، توافق صورت نگرفته است.

مالزی

ایالات سران کشورهای مشترک المنافع که در کوالالامپور تشکیل شد، نتوانست به دلیل مخالفت انگلستان، موضع یکپارچه ای بر علیه دولت نژادپرست آفریقای جنوبی اتخاذ کند. در حالیکه رهبران کشورهای بزرگ عضو جامعه مزبور نظیر هند، استرالیا و کانادا خواهان مجازات اقتصاد آفریقای جنوبی بودند، دولت انگلستان هرگونه فشار اقتصادی را در جهت عکس اقدامات و مانورهای دکلازک رئیس جمهور جدید آفریقای جنوبی دانسته و آنرا رد کرد.

شیلی

بینوایان دیکتاتور در حال نزول شیلی در یک سخنرانی گفت که اگر یکبار دیگر کمونیسم خطری متوجه "سرزمین پدری" وی بکند، دوباره به کودتا دست خواهد زد. وی همچنین به سیاستمداران شیلی که در آیینده بر شیلی حکومت خواهند کردند، اظهار کرد که ارتش محاکمه مسئولین ترور و شکنجه دوره دیکتاتوری نظامی را تحمل نخواهد کرد.

پرتغال

اجلاس وزرای دفاع ناتو در پرتغال به پیشنهاد وزیر خارجة شوروی در مورد برچیدن بیما نیهای نظامی را رد کرد و ادا ماحیات آنها را به عنوان عامل مهمی در ثبات بین المللی قلمداد کرد. در این اجلاس همچنین از شوروی خواسته شد که تعدادی از موشکهای برد کوتاه خود را در اروپا برچیند و تعداد آنها را تا معادل مقدار مشابه ناتو کاهش دهد. بر طبق گزارشات دیگری، شوروی تصمیم دارد که در پنج سال آینده تولیدات تک را به مقدار ۵۰ درصد کاهش دهد.

آلمان دمکراتیک

با گذار به گیری ارایش هونکر در حزب و دولت آلمان دمکراتیک و انتخاب آگون گرنس به جای وی، شیوه برخورد رهبری این کشور با بحران سیاسی جاری در آن، چرخش جدی را نشان میدهد. به گفته ناظران سیاسی، آلمان دمکراتیک در مدت کوتاهی از خسته کننده ترین به جای لیبرترین و دینا میکترین کشور دنیا در حال تحول است. اصلاحاتی که دولت این کشور در مدنظر دارد عبارتند از: بلحاظ سیاسی دخالت دادن گرایشات سیاسی مدافع قانون اساسی در اداره کشور، تحکیم قانونیت سوسیالیستی، اعطای آزادی مسافرت به شهروندان و ارتقا نقش مسکن مطبوعات. در عین حال رهبران حزبی تا شید میکنند که در مقابل تسلیم سرعت تحولاتی که به کناره گیری هونکر منجر شد غافلگیر شده اند و به این دلیل است که هنوز در موضع تدافعی قرار دارند.

در لهستان کدا مند؟ پاسخ داد: ما اوضاع سایر کشورها را تعیین نمیکنیم. وی همچنین نخست وزیر جدید لهستان را رسماً به دیدار از شوروی دعوت نمود.

مجارستان

با سخنرانی ماتیاس ژورس رئیس پارلمان مجارستان، "دوره تاریخی نویسی" در مجارستان شروع شد. این "دوره تاریخی" عبارت است از اعلام جمهوری و پایان دادن رسمی به "جمهوری خلق مجارستان" ایجاد یک جمهوری مستقل مجار که در آن "ارزشهای دمکراسی بورژوازی و سوسیالیسم دمکراتیک" به یکسان مورد تاکید قرار گرفته و به نقش رهبری حزب کمونیست پایان داده میشود. اعلام جمهوری مجارستان آخرین گام در سر قیاماتی است که حزب حاکم این کشور برای تصفیه حساب با گذشته خود بر میدارد.

لبنان

اجلاس نمایندگان پارلمان لبنان در شهر طایف عربستان سعودی، سندی را تحت عنوان "تفاهم ملی" به تصویب رساند که احتمال دارد آغاز روند بازگشت آرامش به کشور آشوب زده لبنان باشد. در این سند که یکبار دیگر بر اساس تقسیم قدرت بین فرقه های مذهبی تنظیم شده است، مسیحیان قدرت کمتری در مقایسه با گذشته خواهند داشت. علاوه بر این مسئله شیرویه های

فرمهای پایه ای مالی و بودجه ای شروع کنند، فرمهایی که تورم را مهار و قیمت های قلمداد شده را اصلاح نموده و به قرارداد اجتماعی حداقل کمی شانس موفقیت بدهد.

بر طبق استدلال یوانوس، آنچه که لهستان واقعاً نیاز دارد، یک کارزار تبلیغاتی است که فقر و استیصال وی را بعنوان مزیت معرفی کند، چیزی مثل جمله زیر: "آیا کشوری را در مرکز راه می شناسید که در آن دستمزدها نسبت درسا است، کشوری که کمپانیهای خارجی همال تمام مالیات نمی پردازند؟ آیا وقت آن نرسیده است که لهستان جدید را کشف کنید؟"

عنوان یک مبنای مهم داریم. این نظر را "ما نفوذ استولپه" معاون مدراء اتحادیه کلیسای پروتستان نیز بیان کرده است. این اتفاق نظر شامل گروه های اپوزیسیون نیز میشود.

س: از نظر شما روند املاجات جاری در آلمان دمکراتیک، غیر قابل بازگشت است؟ هراس از اینکه راه حلها بی مثل حوادث یکن در کشور شما پیدا شود، تا چه حد موجه است؟

ج: حزب من معتقد است که شما مثل کشور کم نیستند. را میباید و باید به شیوه سیاسی حل کرد. در مقابل این راه حل، هیچگونه آلترناتیو وجود ندارد.

فنلاند

در دیدار میخائیل گورباچف از فنلاند، وی اعلام نمود که شوروی تا سال آینده تعدادی از زیر دریایی های اتحاف خود و نیز کلاهکهای آنها را بر خواهد چید. گورباچف همچنین پیشنهاد کرد که در مناطق شمالی شوروی و در مجموعه راه های آبی دریای بالتیک - دریای شمال که مرزهای اروپا با کشورهای اسکاندیناوی را تشکیل میدهد، یک منطقه بزرگ غیرنظامی و غیر هسته ای ایجاد شود. در حالت اخیر شوروی حاضر است سلاحهای اتمی موجود در شمال این کشور را به داخل خاک شوروی انتقال دهد. از سوی دیگر در کناره های یک بیابان مشترک که در آن بیطرفی فنلاند از سوی شوروی مورد تاکید قرار گرفته است، توافققات زیادی در زمینه اقتصاد و یک رشته اقدامات را دیگال برای بهبود محیط زیست در مرزهای مشترک دو کشور صورت گرفته است.

لهستان

ادوارد شوارنا دزه وزیر خارجة شوروی در دیدار خود از لهستان با رهبران دولت جدید و نیز با راکوفسکی دبیر اول حزب متحده کارگران لهستان ملاقات کرد. وی اظهار داشت که اتحاد شوروی خواهان حفظ روابط دوستانه با کمونیستها و نیز با دولت جدید لهستان میباشد. وی هرگونه دخالت آتی شوروی در امور داخلی لهستان و هر کشور دیگر را رد کرد و در مقابل این برش که: "از نظر شوروی مرزهای تغییرات مجاز

همبستگی در دام

ادامه از صفحه ۹

البتة واضح است که با بداهت لهستانی که در دوره انتقال از یک رژیم کمونیستی بی کفایت که توسط مسکو بر آن تحمیل شده است، سر می خورد حمایت نمود، اما بسیاری از اقتصاددانان غیر لهستانی نگران برنامه همبستگی برای ربط دادن دستمزدها به قیمت ها میباشند که آنها به تشدید افزایش ماریجی قیمتها و دستمزدها منجر می شود. استدلال آنها این است که دولت باید

نوسازی در آلمان

ادامه از صفحه ۸

قابل تصور نیست. به جز این مرز، مقصود من از اتفاق اراء این نیست که کسی را کنار بگذاریم. ما نمیخواهیم یک جامعه نخبگان ایجاد کنیم. در سوسیالیسم برای همه انسانهای خلاق، سازنده، منتقد و وجود دارد.

س: حزب شما قدر زمان را در اختیار دارد؟  
ج: بدون اینکه بخواهم مسئله زمان را کاملاً همیست جلوه دهم، باید بگویم که من بدبین نیستم، زیرا تصور میکنم که ما یک اتفاق نظر سوسیالیستی به

### خودکشی پناهنده ایرانی: بدلیل اخراج از آلمان

اسپانیا شده و با سیورت و اجازت دریافت کرده بود، اما اجباراً برای کمک به اعضای خانواده اش که به پناهنده شده بودند، به آنجا سفر کرده و پس از برگشت پناهندگی اش باطل شده بود در این مدت علیرغم تلاش و کوشش قادر به دریافت مجدد پناهندگی نگردیده بود.

کانون پناهندگان سیاسی شیراز نوfer در آلمان فدرال طی اطلاعیه‌ای اعلام کرده که پناهنده ایرانی مجتبی شاح روز ۲۶ سپتامبر در حالیکه پلیس او را بقمداخراج بازداشت و بسیاری جمع آوری اناثیه منزلش آورده بود با پرتاب خود از طبقه ششم آپارتمان به زندگی پرازرد و رنج خود خاتمه داد. وی در سال ۱۹۸۲ پناهنده

### خودکشی دو پناهنده اخراجی کرد ور: هیپیمائی: اعتراضی

دولت مرتجع خانم تا جردرا انگلستان تعدادی از کردهای ترکیه را که به این کشور پناهنده شده بودند به ترکیه با زگرداند، به همین دلیل دولت آنرا آن که پناهنده گیشان مورد قبول واقع نشده بود، برای اعتراض به استرداد خود دست به خودسوزی زدند تا بلکه شعله‌های جسم و جان سوزانشان، تاریکی از چشم بشریت برآید. در این عمل اعتراضی یکی از آنجا جان خود را از دست داد و دیگری بحالت وخیم در بیمارستان بستری است. به همین دلیل ۱۶۰۰ نفر از کردهای مقیم انگلستان به همراه برخی از نیروهای مترقی انگلیسی و ایرانی از جمله رفقای سازمان مایک راهپیمائی بزرگ اعتراضی ترتیب دادند و علیه استرداد و اخراج پناهندگان از انگلیس و سایر کشورها فریاد برداشتند.

### شب همبستگی با زندانیان سیاسی ایران

برزندانها بویژه زندان زنان، توضیحاتی بجهت شرکت کنندگان در مراسم ده و از زمانهای سیاسی خواست که اقدامات جدی در دفاع از زندانیان دست بزنند. در طی مراسم سرود و شعار مقام خوانده شد و پیاپی کمیته برگزارکننده قرائت گردید.

کانون دفاع از زندانیان سیاسی - هانوفر روز ۲۱ اکتبر برای همبستگی با زندانیان سیاسی در ایران و افشای جنایات رژیم مراسمی را برگزار کرد. در این مراسم که حدود ۲۰۰ نفر از پناهندگان ایرانی مقیم شهر شرکت کرده بودند، یک زن زندانی سیاسی رژیم جمهوری اسلامی صحبت کرد و در مورد فشارها و وضعیت فدیشری حاکم

### دولت رفسنجانی

#### ادامه از صفحه ۲

یک جنبش خاص از سطح بازار، اقدامی کاطا هماهنگ توسط یک تشکیلات است. آیا کشف این تشکیلات و فروپاشی آن مشکل تراز فروپاشی تشکیلات منافقین یا تشکیلات جاسوسی سیا در ایران است؟ در اینجا سؤالی که مطرح میشود این است که آیا کشف "انبار رنخود" مشکل تراست یا "انبار اسلحه"؟

آیا کارگران و زحمت کشان و مردم گرسنه کشورمان بیش از این تحمل خواهند کرد؟ و بجای دولت رفسنجانی با سادار سرمایه داران خود را با دست بکار نخواهند شد؟

### تروریست‌های رژیم

#### ادامه از صفحه ۱

قریب خورده برداخته و از آنها بعنوان مترجم، اطلاعات توأم مکاناتی را برای کشف محل کار و سکونت ایرانیان دریافت میکنند. در این بین اطلاعیه به همکاران پناهنده حزب الهی است. تروریست، هشدار داده شده که از همکاری با آنها دست بردارند و به پناهندگان توصیه شده است که هرگونه اطلاعیه را که در مورد این مرکز تروریستی کسب میکنند! فشا نمایند. آنان همچنین از دولت کاتاد اخراج این عده را خواستار شده اند.

رابطه با سازمانهای سیاسی: بر مبنای استقلال کامل کمیته‌ها، تبادل اطلاعات و حمایت معنوی و سیاسی متقابل.

این طرح عمومی با سخ فعلی ما به مشکلات موجود است و جوهر آن عبارت است از ایجاد یک تشکل محدود، نسبتاً همگن و مستقل که تنها از نظر اطلاعاتی و تحلیلی اوضاع آزادی سازمانهای سیاسی پشتیبانی شده و با استقلال کامل عمل کند. مضمون فعالیت کمیته‌های همبستگی

مضمون فعالیت کمیته‌های همبستگی تابعی از آن است که این کمیته‌ها خود در چه زمینه‌هایی مایل باشند که به سازمان دادن همبستگی با مبارزات مردم ایران بپردازند. برای یک کمیته عام که هدف دفاع از دموکراسی، افشای اختناق و نقض حقوق بشر را به عهده دارد، ممکن است پاره‌ای از جنبه‌های اختناق سیاسی حاکم در ایران، مثلاً نقض حقوق زنان نسبتاً کم رنگ باشد و بر عکس کمیته‌ای متحصراً بر مسائل زنان و پناهنده‌نیا ن سیاسی متمرکز شود. ما در شرایط حاضر ایجاد کمیته‌های عمومی دفاع از دموکراسی و مبارزات مردم ایران و نیز کمیته‌های همبستگی با زندانیان سیاسی و زنان را مفیدتر و عملی‌تر میدانیم. در پاره‌ای شوه‌های فعالیت این کمیته‌ها و مطرح عمومی پلاتفرم آنها، با هم‌خواهیم نوشت.

### روابط بین المللی ما

#### ادامه از صفحه ۳

آنها در میان رزه ایران است. وجه دیگر ما به این مبسوط میشود که آنها به رابطه کمیته همبستگی با سازمانهای سیاسی اطمینان ندارند و با تردید و سوءظن، از سواستفاده‌های احتمالی هراس دارند. این تردیدها صرف نظر از اینکه چقدر حقا نیت داشته باشند، تاکنون بعنوان مانع اصلی در شکل گیری جنبش همبستگی با مردم ایران در مشارکت با سازمانهای سیاسی عمل کرده اند.

با سخ ما به مشکلات فوق کدام است؟ این پاسخ را ما در طرح زیر در باره اهداف کمیته‌ها و چگونگی شرکت و رابطه ما با آنها گنجانیده و گام اول را مراجعه به افراد مناسب برای تبادل نظر در باره آن تلقی میکنیم:

اهداف کمیته‌های همبستگی: سازماندهی همبستگی با مبارزات مردم ایران و با بخشهای خاصی از مبارزات جاری نظیر مبارزات زندانیان سیاسی و خانواده‌های آنها، مبارزات زنان خلقها و غیره. ترکیب آنها: از افراد علاقه مندان ایرانی و خارجی که نزدیکیهای فکری و سیاسی برای کار مشترک در از مدت با یکدیگر دارند.

### منوچهر محبوبی در

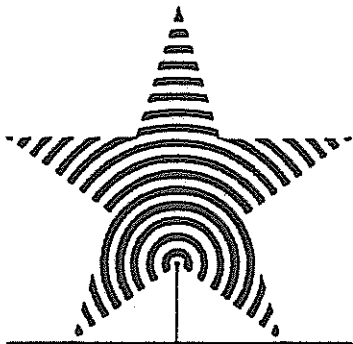
#### ادامه از صفحه ۷

کردن را میفهمیدند که الان هم هستند.

در میان نام‌هایی که بر دم در مورد "یرج پزشک زاد" صحبت نکردم چرا که او فرم خودش را داشت، یعنی بیشتر کتاب مینوشت تا روزنامه نویسی. نویسنده موفقی بود و مخاطبان خاص هم داشت. که در مجله فردوسی هم چیزهایی مینوشت، و وطن‌ستگینی داشت. من در محله در باره استفادها و از سسک به او منتقاد کردم و او ملاحظه میکنم استفادها از سسک (آنهم تحریک کننده)، در

جامعه‌ای مثل جامعه ما چندان موفق نخواهد بود و فقط برای آدمهای حرفه خوب است که بخوانند و بخندند.

قدمن و ارد شدن در زمینه "کتاب نیست بیشتر در زمینه طنز و روزنامه نویسی ما بیلیم مکت کنم. حتی پزشک زاد هم همانگونه که شاره کردم، تسوی مجلات مینوشت، آنهم نه روی مسائل اجتماعی، بیشتر روی رابطه‌های خاص مثل "ایرا هیم میها" تا کید داشت، در حالیکه "ایرا هیم میها" ملامطرح نبود. آدم مدیحه گوئی که هر جا میرفت شعرنایب شده‌ای از جیبش در میاورد و ادعا میکرد که شعر افغانی الیاده سروده است. بهرحال او جز شخصیتهای مورد استفاد پزشک زاد نبود. **ادامه دارد**



## صدای کارگر

رادیوی سازمان کارگران انقلابی ایران در تهران

## ★ برنامه های سراسری صدای کارگر:

هر شب ساعت ۸/۵ روی موج کوتاه  
ریف ۷۵ متر برابر با ۴ مگاهرتز پخش میشود.  
این برنامه ساعت ۶/۵ صبح روز بعد تکرار  
میکرد.

## ★ جمعه ها برنامه ویژه پخش میشود.

★ برنامه های صدای کارگر ویژه کردستان:  
★ روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه ساعت

۶ بعد از ظهر به زبان کردی و فارسی روی موج  
کوتاه ریف ۷۵ متر برابر با ۴ مگاهرتز پخش  
میشود. همین برنامه روزهای یکشنبه، سه  
شنبه و پنجشنبه ساعت ۶ تکرار میگردد.  
پنجشنبه ها ساعت ۹ صبح برنامه ویژه  
پخش میشود. این برنامه ساعت ۶ بعد از ظهر  
جمعه تکرار میشود.

ALIZADI B.P.195  
75564 PARIS - CEDEX 12  
FRANCE

POSTFACH 650226  
1 - BERLIN 65

با پیام کارگر همکاری کنید!

## برلین غربی: کمیته علیه تروریسم دولتی جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی توسط دولتهای کشورهای که در  
آنجا این عمل مورت گرفته است.  
۳- مبارزه علیه سیاست عقب نشینی دولتهای  
که در مقابل گروگانگیری های رژیم جمهوری  
اسلامی، تروریستهای دستگیر شده این رژیم را  
آزاد مینمایند و بدینوسیله تروریسم دولتی این  
رژیم را ترغیب و تقویت مینمایند.  
ما موفقیت فعالین کمیته را آرزو میکنیم و از  
اقدام مثبت آنان با تمام توان پشتیبانی  
میکنیم.

## اطلاعیه ده دسامبر

در ۱۰ دسامبر با تمام مسوولان از زندانیان سیاسی دفاع کنیم

این روز مسئله زندانیان سیاسی را در راس برنامه  
قرار داد.

با نزدیک شدن ۱۰ دسامبر، ما همه تشکلهای  
دمکراتیک و نیروهای مترقی ایرانی را فرا  
میخوانیم تا با تدارک لازم برای این روز تحت  
شعار دفاع از زندانیان سیاسی ایران مبارزه  
توانی را علیه نقض حقوق بشر در ایران انجام  
دهیم. نیروهای سازمان ما موظفند در هر کجا زمینه  
این مبارزه جهت بسیج افکار عمومی برای دفاع  
از زندانیان سیاسی را فراهم کنند.  
کمیته خارج از کشور  
نوامبر ۱۹۸۹

ده دسامبر روز جهانی حقوق بشر است. مسوولان  
ایرانیان مهاجر، از کشوری هستیم که در آن مقوله  
به عنوان حقوق بشر بطور آشکار به رسمیت شناخته  
نمیشود. مقامات جمهوری اسلامی منشور حقوق بشر  
را منطبق با قوانین اسلامی نمیدانند. سال گذشت  
در جریان اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی  
ایران، مهاجرین ایرانی در روز ۱۰ دسامبر وسیع  
ترین مبارزه را در دفاع از زندانیان سیاسی  
انجام دادند که تا شرمه می در افکار عمومی  
جهانی بجای گذارد. امسال نیز میتوان و باید در

## انمایشگاه کتاب فرانکفورت

نمایش "حقوق بشر" امپریالیستی!

نیارود.

دولت آلمان فدرال که بر این واقعیت های  
آشکارا نقض حقوق بشر چشم میبندد امسال در ادامه  
تمایش خصومت ها را با سوسیالیسم و کمونیسم،  
نویسنده معتبر چکسلواکی "واچلاو هال" را علم  
کرد و با آراش جوایز و درشت بها و نوبل بر گزار  
مراسم متعدد در باره این نویسنده و نقض "حقوق  
بشر" در چکسلواکی اذهان را بسوی چکسلواکی  
کشاند. در این میان از سوی نیروهای مترقی  
ایرانی و آلمان فدرال نیز تلاشهایی برای  
افشای جمهوری اسلامی صورت گرفت اما در برابر  
آنچه که دولت آلمان فدرال کرد تلاشها چشمگیر  
نبود. نمونه این اقدامات شش روز یکشنبه ۱۶  
اکتبر بود. در این نشست که از سوی "کمیته دفاع  
از سلمان رشدی" برگزار شده بود، تنی چند از  
شخصیتهای سیاسی، نویسندگان و ناشرین  
ایرانی و خارجی شرکت داشتند و پیرامون مسئله  
سلمان رشدی و بی توجهی مسئولین نمایشگاه  
این مسئله سخنرانی و گفتگو داشتند. در این  
نشست "بهمن شهرمند" از سوی "گاسون  
نویسندگان ایران در تبعید" شرکت داشت

امسال نمایشگاه کتاب در فرانکفورت، که هر  
ساله برگزار میشود و در زمهره بزرگترین  
نمایشگاه های کتاب در جهان است، نمایشگاه  
"حقوق بشر" به سبک دولت آلمان بود. آلمان  
فدرال، دوست وحامی جمهوری اسلامی، که در کنار  
دولت آمریکا خود را معلم و مجری "حقوق بشر"  
میداند، ایگامه گام را برای حضور جمهوری  
اسلامی در نمایشگاه ها ز کرده و میکند. مسئولین  
این نمایشگاه، جمهوری اسلامی را که در  
سالهای ۸۵ و ۸۶ با تلاش نیروهای انقلابی از  
نمایشگاه بیرون انداخته شده بود، از پنجره وارد  
نمایشگاه میکنند. پس از آنکه مسئولین نمایشگاه  
مشکلاتی برای برپائی غرفه کتاب که با نافرین  
سعید سلطان پور برپا میشد ایجاد کرده و تدریج  
اجازه دادند تا تحت نام ما شرسومی نمایشگاه  
کتاب برگزار شود ولی دولت آلمان فدرال به  
همین حدهم را ضی نشد و تلاش میکنند تا در سالهای  
آتی به درخواست جمهوری اسلامی برای حضور در  
نمایشگاه پاسخ مثبت بدهد

دولت آلمان فدرال امسال نیز به جای  
افشای امثال جمهوری اسلامی، که دشمنانش  
علم و دانش و ادبیات بر مردم آگاهان پوشیده  
نیست و تاکنون نیز دستش به خون بسیاری  
از نویسندگان، مترجمین، مولفین و محققین  
ایرانی آغشته شده است، رژیمی که کتاب سوزانند  
را "شرعی و اسلامی" میداند و حتی دستور قتل  
نویسندگان که شهروند کشورهای دیگرند صادر  
میکند، در مدد را به مجوز برای غرفه توسط این  
رژیم است.

بیدلیل نیست که دولت آلمان فدرال در  
مورد کتاب "آیه های شیطان" که در زمهره  
پرفروشترین کتابهای نمایشگاه بود سکوت اختیار  
کرد و کلمه ای نیز در دفاع سلمان رشدی و تقبیح  
گفته ها و اقدامات تروریستی رژیم برزیل

پس از تشکیل کمیته علیه تروریسم دولتی رژیم  
در شهرها نور آلمان غربی که خبر آنرا قبلا در پیام  
کا رگر به اطلاع خوانندگان رساندیم، توسط  
بنامندگان ایرانی مقیم شهر برلین غربی کمیته  
مناجی تشکیل شد و وظایف زیر را در مقابل خود  
قرار داد:  
۱- مبارزه با فعالیت های تروریستی رژیم  
جمهوری اسلامی تحت هر نام و پوششی به ویژه  
فعالیت دیپلماتیک.  
۲- جلوگیری از سرپوش گذاری برجنايات